

## عدن شیطان

سرهای خود را خم کنیم. ای خدای مهربان، از اینکه دوباره امشب فرصت زیبایی دست داد تا در نام خداوند عیسی مسیح در میدان جنگ بر دشمن بتازیم، سپاسگزاریم. این دشمن بدخواه تو هم است. خداوندا، سپاسگزاریم از اینکه می‌توانیم با قوت کلام، او را از جماعت تو بیرون برانیم تا امشب آنها بتوانند روشنایی انجیل را ببینند. دعا می‌کنم تا بر چشمان ما مرهم بگذاری تا بر روی حقیقت باز شوند. باشد زمانی که اینجا را ترک می‌کنیم با قلبی پر از شوق و شور بگوئیم: «آیا دل ما در اندرون نمی‌سوخت، وقتی که در راه با ما تکلم می‌نمود و کتب را به جهت ما تفسیر می‌کرد؟» بیماران و دردمندان را شفا ده، افسردگان را دلگرم کن و دست‌های ناتوان و فروافتاده را بلند کن. باشد که به آمدن خداوند عیسی بنگریم چون ایمان داریم که زمان آن بسیار نزدیک است. این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین.

بفرمایید بنشینید.

۲. امشب سعی می‌کنم کوتاه موعظه کنم زیرا می‌دانم بسیاری از حاضران از نقاط مختلف کشور برای شرکت در جلسه به اینجا آمده‌اند... می‌دانم شماری از این عزیزان شب را در شهر سپری می‌کنند و شاید برای برگشت، راهی طولانی در پیش داشته باشند. از همگی شما تشکر می‌کنم. امروز صبح شخصاً می‌خواستم پیغام را از زبان برادر نوئل بشنویم. من بارها موعظه‌های ایشان را شنیده‌ام و کلام وی همواره برای من دلنشین بوده است و من از ایشان قدردانی می‌کنم. امروز صبح موقع پیغام، می‌دانم که هدایت خداوند را داشتم که به آن گوش کنم. بسیار خوب! دیگر جای شگفتی نیست که دوست دارید پای موعظه ایشان بنشینید. یقین داریم که شما می‌توانید همواره از پیغام‌های ایشان برکت بگیرید.

۳. امروز قرار ملاقات‌های صبح و عصر را مرور کردم هنوز جاهای بسیار بسیار زیادی دارم که باید بروم. من...

۴. اگر اشتباه نکنم این بیرون بود که روزی به موسی گفته بود: «این امر به تنهایی برای تو سنگین و دشوار است.» به همین خاطر اینجا برادران بسیاری هستند که می‌توانند به مسائل شما رسیدگی نمایند هر کدام از آنها کارآزموده هستند و صلاحیت رسیدگی به این امور را دارند. رسیدگی به برخی از مسائل

ظرفیت می‌خواهد. اگر چنین مسائلی دارید توصیه می‌کنم به شبان ما، برادر من و دیگر خادمینی که هم ایمان ما هستند، مراجعه کنید. آنها می‌توانند به درستی درباره‌ی امور مختلف شما را راهنمایی کنند. عده‌ای با مسائل فرزندانشان دست و پنجه نرم می‌کنند و گروهی با مسائل مربوط به ازدواج فرا ملیتی یا مشکلات دیگری درگیرند. آنها چیزهایی که اشتباه هستند یا آنچه که باید انجام دهید را به شما می‌گویند. این برادران در جایگاه خادمان مسیحی می‌توانند به شما کمک کنند. اگر به آنها مراجعه کنید، مطمئن هستم کمک‌هایی که به آن نیاز دارید را به شما خواهند داد. من نمی‌توانم به تمام این مسائل برسم زیرا همه جا با درخواست‌های بسیار روبرو هستیم. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید کارها بیشتر و بیشتر می‌شوند. هر چند دوست داریم به هر کدام از آنها رسیدگی کنیم اما امکان پذیر نیست. اما من پیوسته دعا می‌کنم تا روش الهی در مسائل شما پیاده شود.

۵. حال امشب می‌خواهیم به کتاب مقدس رجوع کنیم و قسمتی از کتاب پیدایش باب سه را بخوانیم. البته اندکی از مطالبی که در گذشته عنوان کرده بودیم را مرور خواهیم کرد با این امید که تا پایان جلسه به فیض خداوند عیسی تا اندازه‌ای به درک بهتری از مسائل برسیم. دعا می‌کنم تا او چنین فیضی را عطا کند.

و مار از همه‌ی حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت: «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه‌ی درختان باغ نخورید؟»

زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم،

لکن از میوه‌ی درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید.»

مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد،

بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.»

و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوشنما و درختی دلپذیر دانش افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.

آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند.

۶. باشد که خداوند... برکت خویش را به قرائت کلامش مزید کند. حال می‌خواهم عبارتی را خارج از شکل آن به کار برم و آن را چنین بنامم: "عدن شیطان". عدن شیطان، در گفتار لفظی خام و دور از ذهن است. این عنوان به گونه‌ای مکمل و تداعی‌گر پیغامی است که در یکی از جلسات یکشنبه تحت عنوان *فیلتر انسان متفکر* ایراد کرده بودم که درباره‌ی سلیقه‌ی مقدسان بود.

۷. گاه چنین اصطلاحات و توصیف‌های به ظاهر خام و ناپخته‌ای می‌توانند تفکر برانگیز باشند و چیزهایی برای ما به ارمغان آورند. ما را بر آن می‌دارند تا مطالعه کنیم. آنها شما را ترغیب می‌کنند تا کلام را بخوانید. و این درست همان چیزی است که مایلیم تمام جماعت‌هایم انجام دهند. «انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.»

کلام را بخوانید و آن را مطالعه کنید. از دریچه‌ی چشمان خدا کلام را مطالعه کنید تا افکار شما نسبت به روش زندگی زمان حاضر روشن کند.

۸. شاید در این جلسه‌ی شامگاهی بتوانم به اصطلاح از زمین و زمان... با شما بگویم.

۹. دوست دارم با مردم صحبت کنم همان قدر که تمایل دارم امشب به اتفاق با هر یک از شما راهی خانه شوم. من... خدا می‌داند که عین حقیقت است. دوست دارم با تکاتک شما به خانه بروم و-و صبح با شما صبحانه بخورم و-و فردا بعد از ظهر به اتفاق شما به شکار بروم. ملاحظه می‌کنید. من-من دوست دارم چنین باشد اما امکان پذیر نیست. دوست دارم به خانه بروم و با شما سخن بگویم. بعد از جلسه روی ایوان بنشینم و مدتی با شما درباره‌ی خدا و آنچه که به خیریت شماست، صحبت کنم. دوست دارم این کار را انجام دهم. آقایان و خانم‌ها، خدا می‌داند که این خواست قلبی من است و می‌خواهم چنین باشد ولی نمی‌توانم. باید به بسیاری از درخواست‌ها و تنش‌ها رسیدگی کرد. ملاحظه می‌کنید.

۱۰. و-و در این زمانه‌ی متشنج که در آن به سر می‌بریم... من خود شخصاً تا اندازه‌ای طبعی بی‌قرار دارم. امروز ذهن خود را مشغول چیزی می‌کنم به عنوان مثال «من به این نتیجه رسیده‌ام که کاری انجام دهم» و فردا آن مسئله فرسنگ‌ها از ذهنم دور می‌شود. یک اتفاق یا مسئله‌ای باعث می‌شود ذهنم درگیر کار دیگری شود. با این اوصاف با توجه به کمبود زمان، باید حواسمان جمع باشد تا دچار پراکندگی ذهنی نشویم.

۱۱. اما مهمترین وظیفه‌ام اعلام انجیل در کلیساست و اینکه در این روزها مادامی که اینجا در زمین هستم و عمری باقی است، تمام آنچه که باعث افتخار

عیسی مسیح است را به انجام رسانم. به اینجا می‌آیم و سعی می‌کنم از اموری با شما سخن برانم که برای شما سودمند باشد و به شما کمک کند. بعد از اینکه امروز صبح به خانه رفتم کتاب مقدس را مطالعه کردم. گفتیم: «خداوند، امشب چه می‌توانم بگویم که به عزیزان کمک کند؟»

۱۲. به پیغام شگرف صبحگاهی گوش کردم... پیغام صبح برادر نویل... به نظرم ایشان مطلب را بسیار زیبا بازگو کردند: «دکتر علت بیماری را تشخیص می‌دهد، اما فردی با ظرفی پر از انواع سوزن‌های تزریقاتی می‌آید و دارو تزریق می‌کند.» گمان می‌کنم توصیفی کوتاه، اما به راستی جالب بود. فکر کردم «درست است ابتدا تشخیص بیماری سپس تزریق سرم» این شیوه بسیار درستی است.

۱۳. می‌خواستم به شما مطلبی بگویم یعنی برایتان چیزی بیاورم که فکرتان را بر روی وعده‌ی خدا برای این عصر روشن سازد. ملاحظه می‌کنید؟ آری مطلبی، نه در مورد مردمی که در زمان دیگر زندگی می‌کردند بلکه... و هنگامی که... هر چند در گذشته مطالب درستی عنوان شدند که همگی ما به آنها رجوع می‌کنیم. اما بر آن شدم تا با این نکات برگرفته از کتاب مقدس که اینجا یادداشت کرده‌ام روشنگری نمایم، باشد که شما با چنین آگاهی در جایگاه سرباز بهتری در این رزمگاه حاضر شوید، باشد که ترفندهای دشمن را دریابید و حرکات خطرناک دشمن را خنثی سازید، منظوری غیر از این ندارم. مهمترین مسئله این است که بیاموزید چگونه تا حد امکان از آماج ضربات جلوگیری کنید.

۱۴. چند دقیقه با تأمل به وضعیت این دوره دقیق شوید سخن از دوره‌ای است مملو از گناه. ما در عصری بزرگ ولی پر از گناه به سر می‌بریم. گمان نمی‌کنم تا به حال در مورد چنین روزگاری در تاریخ خوانده باشیم... روزهای شکنجه‌های وحشتناکی وجود داشته‌اند، هنگامی که فرزندان خدا از هر طریقی به سوی مرگ فرستاده شدند. اما به فریب‌های دشمن در زمانه‌ای که در آن به سر می‌بریم، بنگرید تا به حال روزهایی مثل آن نداشته‌ایم. این روزها، روزهایی پر از حیله‌گری و فریب است. و زمانی که من به آن فریب‌ها می‌نگرم این طور می‌نماید که امروزه یک مسیحی باید نسبت به اعصار گذشته با استواری بیشتری گام بردارد.

۱۵. دوره‌ی جفا بر کلیسا در روم باستان را در نظر بگیرید. اگر یک مسیحی دست از پا خطا می‌کرد، به سوی میدان مسابقه فرستاده می‌شد تا خوراک

شیران شود یا به شکل دیگری گرفتار گردد. اگر متوجه ایمان مسیحی کسی می‌شدند، بلایی بر سر او می‌آوردند. با این وجود روح او نجات یافته بود زیرا او یک ایماندار پاک و خالص در خدا بود. او در واقع با پذیرش چنین مرگی، با شادمانی شهادت ایمانش را با خورش مهر می‌کرد. آری، در حالی که رگ‌هایش شل می‌شدند یا از سوراخ‌های بدنش خون جاری می‌شد، با صدایی بلند و ایمانی صادق فریاد می‌زد و می‌گفت: «خداوند عیسی، روح من را دریاب!»

۱۶. اما اکنون حیل‌گری‌های شریر باعث می‌شود تا مردم گمان کنند که آنها مسیحی هستند در حالی که چنین نیست. در واقع شریر کاری می‌کند که مردم مشتبه شوند. دیگر سخن از مهر شهادت نیست... امروزه با مکرری خطرناکتر از گذشته روبرو هستیم، خطرناکتر از موقعی که مردم تنها با شهادت، ایمانشان را مهر می‌کردند. شریر هر دام فریب که می‌تواند بنهد را گذارده است... او یک فریبکار است. و عیسی در متی ۲۴ به ما گفت، روزهایی که در آن به سر می‌بریم چگونه خواهد بود، فریبندتر از هر دوره‌ی گذشته. «حتی معجزات حیرت‌انگیز نیز خواهند کرد، به طوری که اگر ممکن بود برگزیدگان خدا را هم گمراه می‌کردند.»

۱۷. اینک، اجازه دهید برخی از نوشته‌های کتاب مقدس و صحبت‌های انبیا در کتاب مقدس برای امروز را برگزیریم و با زمانی که در آن زندگی می‌کنیم مقایسه کنیم.

۱۸. در دوم تیموتائوس باب ۳ آنچه که نبی گفت را می‌آموزیم: «در این روزها چنین خواهد بود که مردمان خودسر و متکبر بوده، عسرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند.» فقط برای لحظه‌ای این آیه را در وضعیت کنونی بررسی کنید. ما نخواهیم... ما فقط به خلاصه‌ای از آن خواهیم پرداخت زیرا فرصت کافی نداریم تا وارد مواردی شبیه به آن شویم، باید به قدر کفایت از آن برگزیریم. اما فقط آن را روشن‌تر می‌کنیم و شما می‌توانید هنگامی که به خانه رسیدید آن را مطالعه کنید و ببینید. «خودسر و متکبر، عسرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند، پیمان‌شکن، لاف‌زن، ناپرهیزکار و از نیکویی متنفر خواهند بود.» با این توصیفات روح از اموری که در روزهای آخر رخ می‌دهد، سخن گفت. ما در چنین روزهایی به سر می‌بریم و اینک شاهد تحقق نبوت هستیم.

۱۹. در این لحظه می‌خواهیم همچنین از کتاب مکاشفه بخوانیم... ۱۴، منظورم مکاشفه ۳: ۱۴ می‌باشد. عصر کلیسای لائودکیه، اینکه کلیسا در روز آخر چگونه خواهد بود. کتاب مقدس از او چون بیوه‌ای بی‌نیاز یاد می‌کند که تشنه است.

سخن از کلیسایی است که خود را ثروتمند و مال اندوخته می‌پندارد هر چند او فقیر، مسکین، مستمند و کور و عریان است و آن را نمی‌داند... حالا به یاد داشته باشید روی سخن او با کلیسای این عصر است. «مستمند، کور، عریان و آن را نمی‌دانند.» آخرین عبارت بسیار قابل توجه است. آنها فکر می‌کنند تمام و کمال از روح پر شده‌اند و آماده هستند. عصر کلیسای لائودکیه، عصر کلیسای پنطیکاستی است زیرا آخرین دوره‌ی کلیساست. لوتر و وسلی هر کدام پیغام‌های خودشان را داشتند، پنطیکاست نیز پیغام‌های خود را داشت.

۲۰. همچنین در کتاب مکاشفه آمده است: «زیرا فاتر هستی، نه گرم نه سرد» او فرمود «زیرا»، «زیرا تو در طریق‌های دیگری هستی و من تو را از دهان خود قی می‌کنم.» آنها در طریق‌هایشان تنها به هیجان‌ات ظاهری دلخوش می‌کنند و به یک برداشت جسمانی از انجیل بسنده می‌کنند. به عبارت دیگر دیدن کلیسا در آن وضعیت باعث ناخشنودی او شد.

۲۱. به یاد داشته باشید آنها او را بیرون رانند و او خارج از کلیسا بود و می‌کوشید دوباره وارد شود. کلیسای لائودکیه چنین شرایط وحشتناکی دارد.

۲۲. رئیس دنیای کنونی یعنی همان کسی که امروزه پرستش می‌شود شیطان است. مردم نسبت به پرستیدن شیطان ناآگاه هستند در حالی که شیطان هویت خود را در قالب کلیسا جعل کرده است. ملاحظه می‌کنید، آری به عنوان کلیسا، آنها شیطان را می‌پرستند و گمان می‌کنند که خدا را می‌پرستند اما این طریقی است که شیطان به کار برده است.

شاید بگویید: «یک دقیقه صبر کنید، ما کلام را موعظه می‌کنیم.»

۲۳. امشب نگاه خود را به اینجا معطوف کنید، به متنی که نوشته‌ام. شیطان کسی بود که اول کلام خدا را برای حوا و عظ کرد. «خدا حقیقتاً گفته است» توجه کنید.

۲۴. این همان تفسیر غلط از بخش‌هایی از کتاب مقدس است که امروزه به کار می‌رود. شیطان می‌گذارد تا بدانید تمامی اعمال عیسی، تمام و کمال و بی‌عیب بودند. او می‌گذارد تا بدانید تمام آنچه که موسی انجام داد کامل بود. اما هنگامی که سخن از وعده‌های مربوط به این عصر می‌باشد، آنگاه شیطان سعی دارد آن وعده‌ها را تنها برای عصر عیسی و موسی جلوه دهد. او تنها می‌کوشد چنین باوری را تلقین کند و این برای او کافی است. می‌بینید. «شما نمی‌توانید کلمه‌ای از آن بکاهید یا کلمه‌ای بر آن بیفزائید.» اما این همان کاری است که شیطان انجام می‌دهد.

۲۵. مردم از روی نادانی شیطان را می‌پرستند و به گمان خود، خدا را می‌پرستند. نبوت رساله‌ی دوم تسالونیکیان درباره‌ی چنین وضعیتی به ما هشدار می‌دهد. اجازه دهید آن را بخوانیم، رساله‌ی دوم تسالونیکیان باب دوم. بیایید برای یک لحظه آن را دریابیم، اگر بتوانم فوراً آن را پیدا کنم. دوست دارم آن را بخوانم، به گمانم دوم تسالونیکیان باشد. اینجا کتاب مقدس دارم. در دوم...  
*اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم درباره‌ی آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او.*

۲۶. حال، توجه کنید «آمدن خداوند و جمع شدن ما به نزد او» همان‌طور که خدا جماعت خود را با او در روزهای آخر جمع خواهد کرد. «جمع شدن مردمان به نزد خداوند»، نه نزد کلیسا بلکه «نزد خداوند، جمع شدن با یکدیگر نزد او.»

*که شما از هوش خود به زودی متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح و نه... از کلام و نه از رساله‌ای که گویا از ما باشد... بدین مضمون که روز مسیح رسیده است.*

*زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریبید زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر («آن مرد شریر» بنگرید که اکنون او کیست) یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد (آن یهودا بود، می‌بینید) آن روز خواهد آمد،*

*که او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، به حدی که مثل خدا در هیکل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست.*

۲۷. افسوس که کلیسای عصر حاضر، این چنین به فریبکاری تن داده است! ملاحظه کنید، «فرزند هلاکت» شریر، «فرزند هلاکت» شریر. پس امروزه مردم شیطان را عبادت می‌کنند هر چند به گمان خود خدا را عبادت می‌کنند. آنها شیطان را در قالب یک عقیده یا فرقه‌های ساخته شده به دست انسان، می‌پرستند و این عقاید موجب شده‌اند تا افراد به سمت بزرگترین فریبی که دنیا تا به حال به خود دیده است، سوق داده شوند. برای آنها مهم نیست تا چه اندازه کلام وعده داده شده برای این عصر موعظه و اثبات می‌شود. هر چند این کلام اثبات می‌شود، آنها ایمان نخواهند آورد. بله، آنها به کلام ایمان نخواهند آورد.

۲۸. پس چرا؟ ما در تعجب هستیم که چرا چنین است. چرا آنها کلام را به جا نمی‌آورند. چرا به آن ایمان ندارند؟ وقتی خدا می‌گوید که چیزی را قطعاً به انجام خواهد رسانید، آن را انجام می‌دهد. باز هم آنها پشت می‌کنند و راه خود

را از کلام برمی‌گردانند. درست همان‌طوری که حوّا می‌دانست که خدا، آنچه که گفته بود را انجام خواهد داد. اما او روی خود را از کلام برگردانید و به آنچه که شیطان به او گفت، گوش جان سپرد.

۲۹. به یاد داشته باشید در عصرهای دیگر نیز همیشه این چنین بوده است. در هر دوره‌ای همیشه به همین منوال بوده که شیطان سعی می‌کرد کلام را برای افراد آن دوران منحرف سازد و نگاه آنان را به اعصار دیگر معطوف کند.

۳۰. بنگرید، هنگامی که عیسی می‌آید ملاحظه کنید که چگونه شیطان سعی می‌کرد به آن گروه از معلمان و عالمان و روحانیون یهودی بگوید تا شریعت موسی را نگه دارند. وقتی در بسیاری از جاهای کلام گفته شده در آن روز پسر انسان آشکار خواهد شد ملاحظه کنید که خویشتن را آشکار خواهد ساخت. آن عالمان یهودی برای مدتی مذهب خویش و شریعت موسی را نگه داشته بودند. ببینید که شیطان چه کرد؟ او سعی داشت به آنها بگوید: «آن قسمت از کلام دقیقاً درست است اما این مرد [عیسی] آن شخص نیست.» نگاه کنید شیطان چقدر فریبکار است؟ آری، آن روز، روز واقعی حيله و مکر است.

۳۱. آری این چنین بوده و اکنون نیز چنین است. ابلیس ملکوت خود را بر روی زمین بنا نهاده است. دقیقاً به همین دلیل او این کارها را انجام می‌دهد چون می‌خواهد ملکوتش برقرار باشد.

۳۲. او از آن دسته معامله‌گرانی است که از اخلاق مسیحی بویی نبرده‌اند. هر برنامه و توطئه‌ای را به کار خواهد بست تا گمراه شوید. اگر او هدف و منفعت شخصی در وارد کردن شما برای انجام کاری را داشته باشد، باعث می‌شود نگاه شما به آن معطوف گردد. او هر چیزی را که می‌تواند به شما نشان خواهد داد و شما را به دور از حقیقت نگاه می‌دارد زیرا او تنها به خود می‌اندیشد. مهم نیست که او چقدر دروغ می‌گوید و چقدر خدعه به کار می‌برد، هر چه منفعت شخصی بیشتری داشته باشد کارهای بیشتری انجام می‌دهد.

۳۳. به این دلیل شیطان چنین عمل کرده است. او برای پیشبرد برنامه‌ی خود شماری از خادمان را نیز به کار می‌گیرد. می‌دانیم خدا نسبت به وجود چنین خادمانی هشدار داده است. او با یک فریب مذهبی در عدن، فضایی برای خود باز کرد و همچنان این روش را به کار می‌بندد.

۳۴. شیطان با برپایی گروه‌های کمونیستی نقشه‌ی خود را به پیش نمی‌برد. کمونیست‌ها هیچ نقشی در این برنامه‌ی شیطان ندارند. به جای اینکه نگران



کمونیسیت‌ها باشید باید کلیسا را زیر نظر بگیرید. دقت داشته باشید کمونیسیت‌ها برگزیدگان را فریب نمی‌دهند بلکه این کلیساست که باعث گمراهی آنها خواهد شد. بله می‌دانیم که کمونیسیت‌ها خدا را انکار کردند و بر ضد مسیح هستند. در این اصل شکی نیست اما آنان ضد مسیح نیستند. ضد مسیح همان مذهب است. دجال با کسوت مذهب ظاهر می‌شود، او بسیار مذهبی است. او می‌تواند از کتاب مقدس نقل قول کند و آن را به زیبایی تفسیر نماید.

۳۵. فراموش نکنید که شیطان در آغاز با چنین ترفندی وارد عمل شد، او همه چیز را به درستی نقل قول کرد. «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» دقت داشته باشید که او به درستی نقل قول می‌کند.

۳۶. حوا گفت: «از میوهی درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوهی درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن مخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید.»

۳۷. مار گفت: «هر آینه نخواهید مُرد، اجازه بده تا دلیلش را بگویم که چرا خدا این را گفت. زیرا...» ببینید، او چه گفت؟ او این حقیقت را نقل قول کرد: «چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود. آری، اگر از آن بخورید مانند خدا خواهید شد.»

۳۸. شیطان چنین هدفی داشت و امروزه او همین هدف را دنبال می‌کند. او از آغاز در باغ عدن، از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای فریب و گمراهی استفاده کرد. در زمان آدم این شیوه گمراهی کارگر شد. در زمان نوح همین شیوهی فریب را به کار بست. در زمان عیسی نیز به همان صورت بود و اکنون نیز به همان شکل است. همان راه یعنی استفاده از مذهب به عنوان ابزار فریب و گمراهی!

۳۹. حال ما زمین را در نظر بگیریم. زمانی خدا آن را تحت نظارت خود داشت... سپس شیطان با کنار نهادن کلام خدا، زمام امور را به دست خود گرفت. زمانی خدا زمین را تحت کنترل خود داشت. او کره‌ی زمین را در مدار خود قرار داد. او این کار را کرد و زمین در روندی سازنده قرار گرفت. او زمین را پرداخت چون زمام امور را در دست داشت. اینک ما آن را با زمانی که شیطان زمین را تحت کنترل خود گرفت مقایسه خواهیم کرد.

۴۰. خدا شش هزار سال را به این روند اختصاص داد. او ناگزیر نبود چنین زمانی را اختصاص دهد بلکه خود این زمان طولانی را در نظر گرفت... شش هزار سال، زیرا آموخیم که «یک روز در آسمان برابر هزار سال بر روی زمین است» و خدا برای مدت شش هزار سال یا به عبارتی دیگر برای مدت

شش روز زمین را بنا نهاد. حال، خدا آن را در شش هزار سال برقرار کرد، سیاره‌ای پدید آمد برخوردار از بذرهای نیکو که موافق جنس خود ثمر می‌دهند. هر چیزی باید از نوع خود ثمر دهد. تمام بذرهای او نیکو بودند بنابراین باید از جنس خود به بار می‌آوردند. خدا شش هزار سال را به این کار اختصاص داد.

۴۱. سرانجام هنگامی که او از تمام کارهای خود فارغ شد... خدا سرانجام وارد ستاد فرماندهی خود در زمین شد. این مکان زیبا که معروف به باغ عدن است در شرق سرزمین عدن واقع شده بود. خدا ستاد فرماندهی جهان را در باغ عدن یعنی در مصر قرار داد. آن ستاد فرماندهی درست در شرقی‌ترین نقطه انتهایی باغ بود.

۴۲. خدا نظارت تمام امور را به پسرش و همسر او سپرد. این کاری است که خدا کرد. قدرت کنترل تمام امور را به آنها داده بود. آنها می‌توانستند باها را امر کنند تا وزیدن بگیرند. آنها با درختی صحبت می‌کردند و درخت از جای خود منتقل می‌شد.

۴۳. شیر و گاو با هم غذا می‌خوردند و بزّه در میان آنان می‌خوابید. هیچ شریبری وجود نداشت. صلح و هماهنگی کامل حکمفرما بود، همه چیز در کاملیت بود. هنگامی که زمین تحت کنترل خدا بود، وضعیت به این شکل بود. دقت کنید. او داشت... دنیا از آن خدا بود و او همه چیز را اداره می‌کرد. او همه چیز را مدیریت می‌کرد. همه گیاهخوار بودند و از مرگ خبری نبود. تباهی، فناء، تاراج و فساد وجود نداشت. هیچ... آنجا کامل بود.

۴۴. و خدا فرزندان محبوب خود یعنی پسرش و دخترش را سرور همه چیز ساخت. این زن و شوهر بر امور این جهان نظارت می‌کردند.

۴۵. خدا بسیار خُرسند بود! «در روز هفتم از تمامی کارهای خود، آرامی گرفت.» و روز هفتم یعنی سبّت را برای خود تقدیس کرد.

۴۶. از آنجایی که خدا بر روند نظارت کرده بود، مکانی زیبا و خوشایند پدید آمد. او در مدت شش هزار سال آن را پردازش و استوار کرده بود. در این زمان او به همه چیز هستی داد. کوه‌ها را برآورد، آتشفشان‌ها با قدرت بر کوه‌ها برآمدند و در روند شکل‌گیری پدیده‌ها نقش داشتند. او فراز کوه‌ها را خشکانید و آن را به شکلی که می‌خواست، استوار ساخت.

۴۷. بهشت عظیم خدا بی‌نظیر بود و چیزی مانند آن نبود! دایناسورهای بسیار بزرگی وجود داشتند و همین‌طور خزندگان بسیار دیگر. با این وجود آنها بی‌خطر بودند مانند یک بچه گربه آرام. هیچ گزندگی در کار نبود. نه از بیماری

خبری بود، نه از سوگواری و غم. هیچ میکروب یا عامل بیماری‌زا در کار نبود. به راستی چه مکانی بود!

۴۸. پرندگان بزرگ از درختی به درختی دیگر پرواز می‌کردند و آدم می‌توانست آنها را به نام بخواند. آنها بر روی شانه‌هایش می‌پریدند و برایش آواز می‌خواندند. به راستی خدا چه مکان بی‌نظیری داشت!

۴۹. سپس خدا یکی از صفات بدن خود را متجلی ساخت. خدا صفاتی در بدن خود دارد.

۵۰. درست همان‌طوری که شما صفتی از پدر خود هستید. اگر دقت کنید می‌بینید که شما در پدر بزرگ پدر بزرگ خود بودید. خوب می‌توانیم به پدر و پدر بزرگ خود در این باره بسنده کنیم. هنگامی که در وجود پدر خود بودید از چیزی آگاهی نداشتید. منشاء جان از مرد است. مرد دارای سلول خونی حاوی جان است و زن یاخته‌ی زنانه دارد و این سلول خونی در خود زندگی دارد. پس وقتی که در وجود پدر خود بودید چیزی در این باره نمی‌دانستید. اما علم و کلام خدا ثابت می‌کند که شما در وجود پدر خود بودید و از این امر بی‌اطلاع بودید.

۵۱. پس پدر اشتیاق داشت که شما را بشناسد و با داشتن رابطه‌ای واحد با مادرتان، برای او شناخته شدید. اینک شما صفتی از پدر خود هستید. شما شبیه او هستید، در بدن شما قسمت‌هایی هست که شبیه پدر شماست.

۵۲. این مطلب درباره‌ی خدا در آغاز صدق می‌کند. از همان آغاز هر پسر و دختر خدا، در خدا بودند اکنون آن را به خاطر نمی‌آورید اما شما آنجا بودید. خدا این را می‌دانست و او می‌خواست تا شما این‌گونه باشید که او بتواند با شما مشارکت داشته باشد و سخن گوید، شما را مورد محبت خود قرار دهد و دستان شما را بگیرد.

۵۳. مگر خود چنین آرزویی درباره‌ی فرزندتان ندارید... آیا روز بزرگی نیست هنگامی که پسر شما به خانه می‌آید و سر میز می‌نشیند؟ تصور کنید هنگامی که او از میدان نبرد یا جایی مانند آن برمی‌گردد چنانچه زخمی باشد چطور برای او شام آماده می‌کنید. شما گوساله‌ی پرواری می‌کشید یا حتی بیشتر از آن انجام می‌دهید تا برای او خوراکی آماده کنید! او بدن و خون شماست و در شما بود. شما او را نمی‌شناختید ولی می‌دانستید که او آنجا بود.

۵۴. بنابراین خدا آگاه بود که ما اینجا خواهیم بود لیکن او به ما جسم بخشید تا با وی در ارتباط باشیم. خدا در عیسی مسیح یکی از ما شد. او پسر خدا و تجلی

کامل ذات الهی بود. در چنین قالبی امکان تماس و پیوند میسر شد. بنابراین هدف خدا این بود که در قالب مشارکت، صفات خویش را متجلی سازد.

۵۵. هنگامی که در وجود پدرم بودم راجع به وی اطلاعی نداشتم اما هنگامی که پسرش شدم و از وی تولد یافتم به عنوان صفت و بخشی از وجود پدرم بودم. شما قستی از پدرتان هستید.

۵۶. در جایگاه فرزندان خدا، تجلی بخشی از صفات الهی هستیم. این صفت که در او پیدا بود، تن گرفت و به برکت این کار می‌توانیم به عنوان خانواده‌ی خدا بر روی زمین با یکدیگر مشارکت داشته باشیم. در آغاز هدف خدا همین بود. بله، آقا. آری، از آغاز خواست خدا همین بود.

۵۷. خدا تمام امور را تحت کنترل خود داشت. او انسان را به عنوان موجودی برخوردار از اختیار، با حق‌گزینش بر باغ عدن گماشت. چنین گفت: «پسرم، این بر عهده‌ی تو است.»

۵۸. چه مکان زیبایی! خدا چنان از کار خویش خشنود بود که آرامی یافت. هیچ درختی هرگز تیغ و خار نداشت. هیچ توتی هرگز از یک درخت خاردار به وجود نیامد. همه چیز کامل بود، تمام بذرها کامل بودند و تمام امور در شرایط کاملی به سر می‌بردند.

۵۹. هنگامی که او رفت تا کمی بیارامد، دشمنش با فریبکاری وارد میدان شد. او با ارائه‌ی تفسیر گمراه‌کننده‌ای از برنامه‌ی خدا برای فرزندان، زمام امور را به دست گرفت. خدا به فرزند خود اعتماد کرد همان‌طور که وقتی دخترتان در غروبی با آقای بیرون می‌رود و شما به او اعتماد دارید یا زمانی که پسران با یک جوان الکلی یا یک پسر سیگاری همراه می‌شود و شما به او اطمینان دارید. ملاحظه می‌کنید، خدا به پسرش اعتماد داشت. از نظر خدا قرار نبود او هیچ خطایی مرتکب شود. خدا اعتماد داشت که آدمی کلام الهی را نگه خواهد داشت. ولی شریر با ظرافت وارد شد. درست مثل آن شخص حقه باز چاپلوس که دخترتان را بیرون می‌برد و با او بدرفتاری می‌کند یا مانند برخی از زنان بدی که پسران را به بیرون می‌کشاند. مشاهده می‌کنید. او گمراه کرد. دشمن خدا با ظرافت وارد شد و تفسیری نادرست از کلام خدا را به شکلی گمراه‌کننده برای حوا بیان کرد.

۶۰. آری، شیطان به واسطه‌ی هبوط، باغ عدن را برگرفت و آن را به تصرف خود درآورد و زمام امور را به دست گرفت. اینک شش هزار سال است که او همچنان در نقش یک فریبکار ظاهر می‌شود. او همچون گذشته

مردم و فرزندان خدا را به بیراهه می‌کشاند. آنها از حق گزینش برخوردارند، به عبارتی حق دارند مسیر زندگی خود را انتخاب کنند. این توقع وجود داشت که راه و روش درستی در پیش گیرند. بله، انتظار می‌رفت کار درست را انجام دهند ولی دریغا که به خطا رفتند و همانند عیسو، به خاطر عشق به دنیا حق نخست‌زادگی خود را به هیچ فروختند. چنین بود که شیطان پیروز شد و دنیا را صاحب شد. او شش هزار سال زمان داشته است تا عدن خویش را بسازد همان‌گونه که خدا شش هزار سال زمان داشت تا عدن خویش را به وجود آورد. حالا شیطان با ارائه تفسیری گمراه کننده از کلام و فریب مردم، عدن خود را در این زمین بر پایه‌ی گناه برقرار ساخته است.

۶۱. عدن خدا بر پایه‌ی عدالت بنا شده بود اما عدن شیطان بر پایه‌ی گناه زیرا شیطان خود، گناه است. خدا عدالت است و ملکوتش بر اساس عدالت و فیض و حیات استوار شده بود. و بنای شیطان بر پایه‌ی و اساس گناه و گناهان مذهبی است.

۶۲. کمی به فریب و روش گمراهی او دقیق شوید. او گفته بود که چنین خواهد کرد. او قول داده بود این کار را انجام دهد. آیا کسی این را می‌دانست؟ اگر شما از کتاب مقدس تأیید این مطلب را می‌خواهید ببابید به اشعیا رجوع کنیم. اگر شما... به گمانم باید بیشتر از آنها نقل قول کنم. اجازه دهید کتاب اشعیا باب ۱۴ را بخوانیم، فقط یک لحظه، و خواهید دید که شیطان اینجا چه گفت. یک لحظه، اشعیا باب ۱۴ را خواهیم خواند و می‌بینید که این شخص [ابلیس] چه کرد. اشعیا باب ۱۴ از ابتدای آیه‌ی ۱۲ شروع می‌کنیم.

*ای زهره دختر صبح چگونه از آسمان افتاده‌ای؟ ای که امت‌ها را ذلیل می‌ساختی چگونه به زمین افکنده شده‌ای؟*

*و تو در دل خود می‌گفتی به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا (منظور پسران [خدا] هستند) خواهم افراشت، و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود.*

*بالای بلندی‌های ابرها صعود کرده، مثل حضرت اعلی خواهم شد.*

۶۳. حال آنچه اینجا آمده است با آنچه دقیقی قبل در تسالونیکیان خواندیم را مقایسه کنید که او چه گفت. «به حدی که مثل خدا در هیکل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست بنابراین هدف او این است که چون خدا پرستیده شود.»

۶۴. او خدای این جهان است. در موعظه‌ی یکشنبه گذشته مسئله را برای شما بازگو کردم. امروزه خیانت و بی‌وفایی از ویژگی‌های این دوره است. اینک

در چنین زمان مخوفی شیطان با ابزار گمراهی و فریب ظاهر می‌شود. هر چند باید گفت در پُر جلال‌ترین عصر تاریخ هم به سر می‌بریم چون در آستانه‌ی هزاره هستیم. آری، در آستانه‌ی ظهور دوباره‌ی عدن. اما درست در همین دوره او تمام نیرنگ‌ها و ترفندهایی که تا کنون در طول تاریخ به کار بسته را دوباره استفاده می‌کند و هر نیرنگ و ترفند گمراه کننده‌ای که تا کنون کارساز بوده را هم زمان به کار می‌برد. شیطان با این شیوه موقعیت خود را تحکیم می‌بخشد و مانند خدا پایین می‌آید. آری او از قالبی مذهبی استفاده کرده خود را در جایگاه خدا می‌نمایاند. او می‌تواند از کتاب مقدس نقل قول و آن را برای شما بازگو کند. او به همان شیوه‌ای متوسل می‌شود که در باغ عدن در مورد حوّا کارساز شد. او از کلام می‌گوید اما بخشی از آن را جا می‌اندازد. این شیوه کارساز می‌شود چون حذف بخشی از کلام به منزله‌ی باز کردن فضایی برای تزریق آموزه‌های سمّی است. من در یک جلسه‌ی شامگاهی در موعظه‌ای تحت عنوان «فیلتر مرد متفکر» به این موضوع پرداخته بودم.

۶۵. او گفت که خویشتن را بالاتر از بلندترین مرتبه‌ها برمی‌افرازد. او بر فراز ابرها و ستارگان بلند می‌شود و مانند خدا آنجا می‌نشیند و در بالاترین رتبه خواهد بود. او به شکل موفقیت آمیزی این تهدیدها را محقق ساخت. پیداست که مردم با تفاسیر گمراه کننده‌ی شیطان، از کلام وعده داده شده دوره‌ی خود دوری جستند. این همان شیوه‌ای است که شریر به آن متوسل شده است. او در هر دوره کلام را به شکل گمراه کننده تفسیر می‌کند.

۶۶. در عصر نوح، او به مردم توضیح داد که نمی‌شود از آسمان باران ببارد. «از این آسمان چیزی نمی‌بارد» او در باغ عدن با فصاحت تمام انجیلی علمی موعظه کرد، او به زیبایی به علم متوسل شد! او می‌توانست وسایلی به سمت کره‌ی ماه پرتاب کند و ثابت کند آنجا هیچ اثری از رطوبت نیست. اما خدا گفته بود باران خواهد آمد. شیطان موفق شد ذهن مردم را با تحقیقات علمی مسموم کند. تحقیقاتی که حاکی از این بود: «محال است بارانی ببارد» ولی باران آمد. آنچه که خدا گفت انجام می‌شود، شد. خدا گفته‌ی خود را محقق ساخت.

۶۷. می‌بینیم که در زمان عیسی دشمن به همان ترفند متوسل شد. دوباره ذهن‌ها را با فریب خود مسموم کرد. ملاحظه کنید. او به تفسیری دروغین از کلام متوسل شد: «اگر تو پسر خدا هستی، کاری انجام بده که من ببینم و نشان دهد که تو پسر خدایی.»

۶۸. عیسی نمایش اجرا نکرد، او هرگز چنین روشی را در پیش نگرفت. خدا اهل نمایش و دلقک‌گری و بندبازی نیست. قرار نبود عیسی درخواست‌های شیطان را برآورده سازد. او تنها... عیسی گفت: «مکتوب است انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.» نگاه کنید. عیسی برای شیطان نمایش اجرا نکرد. او نان نساخت. او می‌توانست آن کار را انجام دهد اما اگر چنین می‌کرد خواست شریر برآورده می‌شد، در حالی که قرار نبود از شریر پیروی کند.

۶۹. باز سخن از گناه مذهبی است. او به همان شیوه‌ی گمراه‌کننده‌ی متوسل شد که ابتدا آن را به کار برده بود. به این مسئله دقت کنید. زمانی که سخن از گناه به میان می‌آید کارهایی چون زنا، مستی و قسم دروغ تداعی می‌شود ولی مراد چیزی غیر از این است. اینجا منظور فراتر از تعریف معمولی گناه است.

۷۰. بسیاری از شما که اینجا هستید سال‌های پیش را به خاطر می‌آورید. افراد قدیمی موعظه‌ای تحت عنوان سرخوردگی‌های زمان داوروی را به یاد دارند. در زمان داوروی فاحشه سرخورده نمی‌شود، او می‌داند به کجا خواهد رفت. میگساران نیز سرخورده نخواهند شد. قاچاقچیان، قماربازان، افراد سارق و دروغگو نیز سرخورده نخواهند شد اما آن مردی که فکر می‌کند در راستی به سر می‌برد، سرخورده می‌شود.

۷۱. این همان شخصی است که می‌آید و می‌گوید: «خداوندا مگر به نام تو موعظه نکردم، مگر به نام تو دیوها را اخراج نکردم؟»

۷۲. عیسی گفت: «ای بدکاران از من دور شوید. هرگز شما را نشناختم.» در آنجاست که مردم سرخورده می‌شوند و درمی‌یابند که فریب خورده‌اند. ملاحظه می‌کنید.

۷۳. این همان مطلبی که من پی در پی... عنوان همین مسئله است که باعث می‌شود مردم برداشت نادرستی از گفتار من داشته باشند. هر چند در پی آن نیستم که با دیگران تفاوت یا فرق داشته باشم اما باید صادق باشم. من حامل پیغامی هستم که باید به گوش قوم برسد، هر چند در میان مردم بسیار غیر قابل درک باشد. آنها گمان می‌برند که من با همه سر ناسازگاری دارم. ای کاش آنها متوجه می‌شدند برای خیریت همگان گام می‌دارم و به بهترین شکل سعی می‌کنم حقیقت را برای آنها بازگو کنم. درست به همان شکلی که در قلبم گذاشته شده و در کتاب مقدس عنوان شده است. خدا حقانیت این پیغام را تأیید و ثابت کرد پس چاره‌ای نیست جز اینکه با حقیقت روبرو شوند یا آن را نادیده بگیرند.

۷۴. ملاحظه کنید، آنها نمی‌خواهند آن را ببینند زیرا از قبل حق نخست‌زادگی خودشان را به بعضی از تشکل‌های کلیسایی یا فرقه‌ها فروخته‌اند. آنها سعی دارند در قالب یک تشکل دینی به آسمان برسند غافل از اینکه شیطان کاملاً بر چنین تشکلاتی مسلط شده است. خدا هرگز تشکل دینی نداشت، هرگز. هنگامی که دسته‌ای از انسان‌ها کلام را تفسیر می‌کنند و می‌گویند این به این معنی یا به آن معناست. آنها با چنین گفتارهایی در واقع به آن خیانت می‌ورزند.

۷۵. خدا به مفسر نیاز ندارد. خدا مفسر خویش است. او نیاز ندارد یک استاد روش تفسیر کلام را به او بیاموزد. او برتر از همگان است و بر همه چیز تسلط دارد. خدا گفت که چگونه عمل می‌کند و به این ترتیب کلام خود را حفظ می‌کند. هنگامی که او گفت: «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» منظور او دقیقاً همین بود. هر چیزی که او گفت، رخ می‌دهد. خدا درباره‌ی روزهای آخر اخبار نمود و گفت چه کارهایی خواهد کرد و پیداست که او کلام خود را محقق ساخت. او نباید از کسی پرسد که آیا زمانش است یا نه. او به خوبی می‌داند که چه زمانی است و چه نقشه‌ای باید پیاده شود.

۷۶. شیطان گمراه می‌کند. همان‌طوری که در متی ۲۴:۲۴ آمده است او ترفندهای بسیاری برای فریب مردم به کار می‌برد. پیداست که او برنامه‌هایی چون عرفان، تحصیلات بهتر، دروس اخلاق برتر و تمدن‌سازی انجیلی را به سلیقه‌ی خود ارائه می‌دهد. او با این شیوه مردمی که خواهان خدمت خدا هستند را افسون کرده و آنها را به سمت باور دروغش سوق داده است.

۷۷. حوّا نمی‌خواست آن کار را انجام دهد ولی شریر به او نشان داد که با انجام آن کار، به معرفت و دانش می‌رسد. حوّا شناخت نداشت ولی در پی عرفان بود. مسائلی برای او واضح نبود و توضیح می‌خواست. خدا به او امر کرده بود که در پی توضیح نباشد.

۷۸. به راستی چه توضیحی می‌توانیم برای یکی از این مسائل داشته باشیم؟ من توضیحی ندارم بلکه آنها را باور دارم. قرار نیست همه چیز برای من واضح باشد. خدا ایمان است نه یک توضیح‌المسائل. ما تنها به گفته‌ی حق ایمان داریم.

۷۹. شش هزار سال است که شیطان کلام و عده داده شده خدا برای عصر را به انحراف کشانده و به غلط تفسیر کرده است. حال بیابید در چنین شرایطی عدن خدا را با عدن شیطان مقایسه کنید. اجازه دهید اکنون آنها را مقایسه کنیم و ببینیم به کجا رسیده‌ایم. شیطان در زمان مسیح عیسی در کلیسا چنین ترفندی را



به کار برد. او کوشید پسران امین خدا را از شناخت حق برگرداند. آنها از آن خدا هستند. خدا اینجا پسرانش یعنی صفاتش را قرار داده است تا از طریق شنیدن کلامش با او مشارکت داشته باشند.

۸۰. شما یک پسر وفادار برای پدر خود هستید. چنانچه پدرتان به شما چیزی بگوید فرضاً بگوید: «پسرم داخل آن آب نرو زیرا در آب تمساح هست.» اگر دوستی بیاید و بگوید: «این آب مطمئناً آب خوبی است و در آن هیچ تمساحی نیست.» شما به کدام یک گوش می‌دهید؟ اگر پسر واقعی باشید به حرف پدرتان گوش خواهید کرد.

۸۱. از دید یک پسر یا دختر حقیقی خدا، کلام خدا ارجح خواهد بود. از دید من مهم نیست دیگران چه می‌گویند، کلام خدا برای فرزندان ارجح است. اگر بگوید «در فنجان سم است» آنها به این گفته ایمان خواهند داشت.

۸۲. ایمان به تمام کلام خدا که همانا بذر الهی است. عدن مقدس، محبت و حیات را به بار می‌آورد. تقدس، ثمره‌ی عدن خداست. ایمان عدنی سرشار از تقدس، محبت، خرد، کاملیت و حیات ابدی را به ارمغان می‌آورد. خدا، کلام و بذرش را می‌کارد. آری، کلیسا در انتها همانند ابتدا خواهد بود.

۸۳. فکری به ذهن من خطور می‌کند. آن را فراموش نکنید البته در زمان یا پیغام دیگری به آن خواهیم پرداخت. شما می‌دانید که خدا فرمود: «هر بذری موافق جنس خود بیاورد.» آیا این حکم خداست؟ پس اگر واعظی یا هر کس دیگری چیزی غیر از کلام عنوان کند چه می‌شود؟ ملاحظه نمایید. هر کلمه‌ی خدا در حکم یک بذر است. عیسی گفت: «بذری که برزگری می‌کارد.» بنابراین اگر مرقس باب ۱۶ کلام خداست پس از بذر یا تخم موافق جنس خود به بار می‌آورد. اگر ملاکی باب ۴ کلام خداست ثمره‌ای از جنس خود به بار خواهد آورد. هر وعده‌ی دیگر نیز بر اساس ماهیت و جنس خود میوه می‌آورد.

۸۴. مگر شیطان را در لباس مبدل نمی‌بینید؟ او چنین تلقین می‌کند: «این‌طور نیست، این‌گونه نیست.» آیا این را درک می‌کنید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف] بله شیطان می‌گوید: «این [پیغام] برای امروز نیست... بلکه مربوط به زمان دیگر. فلان مطلب معنی دیگری دارد.»

۸۵. خدا این چنین عدن خویش را بنا کرد که «هر بذری موافق جنس خود بیاورد.» درست است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف] این مطلب در مورد کلیسا نیز صدق می‌کند. مشخص می‌شود خدا چگونه و بر چه پایه‌ای کلیسای خود را بنا کرد. آری، هر کلام موافق جنس خود ثمر می‌دهد! «انسان

نه محض نان بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر می‌شود زیست می‌کند.» مشاهده می‌کنید؟ شیطان چیزی دیگر برگرفت اما خدا فرمود: «هر بذری موافق جنس خود بیاورد.»

۸۶. بر طبق وعده: «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.»

۸۷. حال کلیسا چنین می‌گوید: «به کلیسا ملحق شوید، اعتقادنامه را بخوانید آموزه‌نامه را بیاموزید.» مواردی از این دست در کل کتاب مقدس وجود ندارد.

۸۸. اما عیسی گفت: «و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دست‌ها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت.» کدام انسان می‌تواند آن را انکار کند؟ توجه دارید؟

۸۹. «هر بذری موافق جنس خود می‌آورد.» اگر شما بذری یا صفتی از خدا هستید، اگر شما فرزند خدا می‌باشید پس کلام او در درون شما کاشته شده است. ملاحظه می‌کنید؟ در چنین شرایطی شما کلام خدا را می‌شنوید و به آن گوش جان می‌سپارید. «گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند، آنها از صدای بیگانگان متابعت نمی‌کنند.» متوجه می‌شوید؟ «هر بذری موافق جنس خود می‌آورد.»

۹۰. اکنون دریافته‌ایم که هر بذری از نوع خود به بار می‌آورد. هیچ مرگی در آن عدن وجود نداشت... به همین ترتیب در عدن تازه نیز اثری از مرگ نخواهد بود. به یاد داشته باشید که در آن چیزی جز تقدس، پاکی و حیات ابدی نبود.

۹۱. اینک ایمان نداشتن به تمام کلام خدا، بذر ناپاکی را در عدن شیطان به بار آورده است. داریم به جایی می‌رسیم که در عدن زمینی که عدن گناه و مذهب منحرف است، شیطان به عنوان ضد مسیح بر تخت می‌نشیند. در ابتدا او این‌گونه سخن سر نداد که: «من شیطان هستم، من فرشته‌ی بزرگ هستم.» نه، نه به این شکل بلکه به تحریف کلام خدا متوسل شد. او در هر عصری با چنین روشی ملکوت و نظام خویش را برقرار می‌کند. اکنون در این عصر فریب بزرگ، آماده است تا به یاری پیروانش بر تخت بنشیند! آری، او با توسل به روشنفکری، علم و فرهیختگی عدنی برای خود پدید آورد. سخن از واعظان عارف دانشمند است. کلیسایی علمی یا عرفانی پدید آمده و الهیاتی بر همین پایه بنا کرده‌اند. آنها دانش را اساس همه چیز قرار داده‌اند. علم جایگاه محوری پیدا کرده است. تمام کلیساها بر پایه‌ی شناخت ساخته شده‌اند نه بر اساس ایمان.

۹۲. روزی برای برگزاری جلسه به کلیسای شخصی رفتم. نالار کنفرانس بزرگی در غرب کشور داشت. آن شخص مرد خوبی بود ولی چیزهایی که درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم را رد کرد. من او را دوست داشتم... مردی سالخورده و خوب بود. سالن ظرفیت پذیرش حدود شش هزار نفر را داشت. روزی پس از جلسه‌ی عصر، هنگامی که جماعت سالن را ترک می‌کردند و تقریباً حدود هزار و پانصد نفر بیرون رفتند، من آنجا نشستم و آنها را تماشا کردم. آنها شیک پوش و روشنفکر بودند.

۹۳. آن آقا موعظه‌ی بسیار خوبی ایراد کرد و پس از اتمام موعظه از جماعت خواست چنانچه کسی می‌خواهد عیسی را بپذیرد فقط دستان خود را بلند کند، هیچ کس دستانش را بالا نبرد. در نهایت یک خانم دستانش را بلند کرد. آن آقا گفت: «بسیار خوب حال شما مسیحی هستید.» و او را برای تعمید آماده کرد. پس هنگامی که آن آقا بیرون رفت... او یک کودک را تقدیم کرد و او را بوسید و برایش دعا کرد و حضار را مرخص کرد.

۹۴. هنگامی که جماعتش یعنی تمام آن مردم فاخر، فاضل و دانش‌آموخته بیرون می‌رفتند من کناری ایستاده بودم تا در زمان خروج با او دست دهم و برایش طلب برکت الهی کنم.

۹۵. سپس آن دسته از مردمی که باید در جلسه‌ی من شرکت می‌کردند وارد سالن شدند زیرا تا زمانی که آن جماعت در سالن بودند آنها حق ورود نداشتند. آری، در جلسه‌ی من افراد با ویلچر یا بر روی برانکار یا با پوشش‌های ویژه تیمارستانی و معلولان ذهنی وارد شدند. پیداست که جو متفاوتی برقرار شد، مگر نه؟ این همان چیزی است که من درباره‌ی آن صحبت می‌کنم. ملاحظه می‌کنید، اینجاست که تفاوتی به چشم می‌خورد.

۹۶. زمانی که به آموخته‌های علمی متوسل می‌شوید، بی‌گمان انجیلی ارائه خواهد شد که پایه‌ی آن تلقی ذهنی شماست. با همین آموخته‌های علمی می‌شود گفت: «هر که به عیسی ایمان بیاورد محکوم نخواهد بود.»

۹۷. لیکن بخش مکمل وعده‌ی نجات از چنین پیغامی محو خواهد شد. جایی که کلام می‌گوید: «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» ولی زمانی می‌توان از نجات در زندگی چنین خواهری صحبت کرد که آیاتی که باید همراه ایمانداران باشد، در زندگی او پدیدار شود.

۹۸. «و هر آنکه کلام مرا بشنود» نه کسی که فقط در پی یافتن معنی آن باشد، نه کسی که فقط با گوش‌هایش بشنود بلکه کسی که «آن را درک کند.»

هر کسی می‌تواند کلام را بشنود. یک فاحشه می‌تواند آن را بشنود و باز هم یک فاحشه باقی بماند. یک فرد الکلی می‌تواند کلام را بشنود و باز هم الکلی باقی بماند. یک فرد دروغگو نیز می‌تواند ظاهراً کلام را بشنود ولی باز به دروغ گفتن ادامه دهد اما «آنکه کلام مرا درک می‌کند و به آن کسی که مرا فرستاد ایمان آورد، حیات جاودانی دارد.» بله، موضوع از این قرار است.

۹۹. آری، هیچ انسانی قادر نیست چنین کند جز اینکه خدا او را از پیش مقرر کرده باشد. عیسی فرمود: «کسی نزد من نمی‌تواند آمد مگر آنکه پدر من، آن را بدو عطا کند و تمام کسانی که پدر به من بخشیده است نزد من خواهند آمد.» آمین. آری، اینجاست که قدرت و علم پیشدانی خدا مطرح می‌شود. او منشاء هستی خود است و هیچ کس یارای این را ندارد که به او بگوید چه کاری انجام دهد.

۱۰۰. حال بذر بی‌ایمانی و عدم پذیرش تمام کلام خدا ناپاکی، گناهکاری و کینه‌ورزی و مرگ ابدی را به بار آورده است. وضعیت این عصر کلیسای گناهکار و روشنفکر این چنین است. آیا آن را درمی‌یابید؟ در این ایام که تمام دنیا مذهبی است! آیا از آن آگاه بودید؟ کل دنیا مذهبی است. در این عصر مذهبی، کلیساهای بزرگ در هر گوشه‌ای از شهر پیدا می‌شوند ولی حاصل تمام این روند پرستش شیطان است. تمام این مسائل در همین کتاب مقدس آمده است. این عین حقیقت است. دستاورد سمینارهای روشنفکرگرایانه و الهیاتی، اشخاص خوش بیان است. آنها راهکارهای خاصی می‌آموزند تا هیجان‌ات را شکل دهند. آنها در همین راستا دروسی چون روانشناسی یاد می‌گیرند. در این سه یا چهار سال روش تبلیغ را یاد می‌گیرند. ملاحظه می‌کنید، این...

۱۰۱. روح خدا، چیزی نیست که از طریق تحصیلات به دست آید بلکه خدای قادر مطلق آن را برای شما مقدر کرده است. سخن از یک ترتیب نیکوی الهی است. شناخت خدا از راه تحصیل به دست نمی‌آید، هیچ دوره‌ای شناخت خدا را شکل نمی‌دهد. اینجا صحبت از یک ترتیب الهی است. این شناخت بر اساس پیشدانی خدا برای شما مقرر شده است. حقیقت این است.

۱۰۲. چرایی شکل‌گیری عدن فعلی را باید در چنین عواملی جستجو کرد. البته منظور عدنی است که کلیسای دنیوی به وجود آورده است. آنان در یک شورای جهانی بزرگ با یکدیگر متحد شده‌اند و به سمتی پیش می‌روند که کلیسای دنیوی تحت ریاست واحدی قرار بگیرد. در چهارچوب این روند، شیطان به تخت خواهد نشست. دقیقاً چنین است.

۱۰۳. اینک واپسین فراخوانی به گوش می‌رسد. این فراخوانی مانع خواهد شد عروس وارد چنین جریانی شود. اگر عروس وارد چنین جریانی شود علامت وحش را دریافت کرده و بی‌آنکه راه برگشتی وجود داشته باشد محکوم خواهد شد. به همین خاطر این ندا می‌گوید: «ای قوم من از میان آنها خارج شوید.» همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید قبل از ورود عروس به این جریان، این هشدار داده می‌شود. آری «از میان آنان خارج شوید، از آنها جدا شوید.»

۱۰۴. در این عدن کینه و مرگ، جدایی همیشگی از خدا، شهوت، پلیدی و انحراف اخلاقی حاکم است در واقع این نتیجه بذر دروغینی است که کاشته شده است.

۱۰۵. در گذشته یعنی قبل از اینکه پنطیکاستی‌ها را ملاقات کنم، رؤیایی دیده بودم. اکنون به یاد آن افتادم. رؤیا چنین بود که مردی سفید پوش دنیا را می‌پیمود و یک نفر دیگر پشت سر او بذر نفاق و اختلاف را می‌کاشت. شما بارها این رؤیا را از من شنیده‌اید.

۱۰۶. پیداست که او با پرورش میل به گناه و شهوت در حوّا، بازی را برد. شهوت بر حوّا غالب شد... حوّا به شناخت و عرفان میل داشت و این گناه محسوب می‌شد.

۱۰۷. پس هنگامی که ما نیز برای کسب شناخت شهوت داریم یعنی مدرک پی.اچ.دی یا ال.ال.دی می‌خواهیم. این شهوت همانند انجام آن، ما را در روند گناه قرار می‌دهد. شاید این سخن بسیار تند باشد ولی عین حقیقت است. هر چند این گفتار تند باشد ولی در حقانیت آن شکی نیست، ملاحظه می‌کنید. شهوت برای کسب شناخت و درک مسائل!

۱۰۸. ما امروزه در پی آن نیستیم که کلام خدا را در قلب‌های مردم جا دهیم بلکه در پی جایگاه هستیم و مشکل در اینجاست. کلیساها تنها در فکر آن هستند که آموزه‌های خود را در قلب مردم جای دهند.

۱۰۹. به ما فرمان داده شده تا کلام خدا را برپا داریم. پولس گفت: «کلام و عظم من به سخنان مقنع حکمت نبود بلکه به برهان روح و قوّت تا ایمان شما در حکمت انسان نباشد بلکه در قوّت خدا.» آری موضوع از این قرار است.

۱۱۰. درست نیست مردم تنها به جایگاه خود ببینند. آن را می‌بینیم در... همین قدر کافی است که ببینند خدا یکی را برای کاری بلند کرد، به زودی همه تقلید می‌کنند. هر کس در پی تحکیم جایگاه خود است: «من این کار را انجام دادم، خودم، فرقه‌ی من، خود من.» آری هدف از بیان این سخنان به دست

آوردن جایگاه است. ما درباره‌ی چه چیزی موعظه می‌کنیم، خودمان یا ملکوت خدا؟

۱۱۱. کلام خدا را برپا دارید. بی‌ایمانی را از ریشه بَرکنید. ملکوت خدا را در قلب انسان‌ها برقرار سازید. ملکوت خدا در قلب انسانی برقرار نمی‌شود مگر اینکه او در آفرینش خدا برای چنین فیضی مقدر شده باشد...

۱۱۲. مردم به گمان خود در راستی هستند ولی به یاد داشته باشید که این باز فریبی بیش نیست. ملاحظه می‌کنید. «راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می‌نماید.» بله، روشنفکران به نظر خود در راستی هستند.

۱۱۳. در یکی از جلسه‌های یکشنبه این مسئله را برای شما بازگو کردم. زمانی که نزدیک فرزندم که در حال مرگ بود ایستاده بودم، شیطان نیز آنجا بود و رو به من گفت: «در یکی از این شب‌ها پدرت در آغوش و بازوانت جان داد. همسرت در سردخانه است و اینجا فرزندت در حال مرگ است و تو از خدا خواستی که به تو پاسخ دهد و او... و او تو را وارد تاریکی کرد. حال آیا هنوز او خدای خوبی است؟ تو از او به عنوان شفا دهنده یاد کردی و تو همچنان به آنچه به گمان خودت راست است پایبندی. به راه خطا رفتی.» آری، منطق و عقلم حکم می‌کرد که حق با او باشد. بر پایه‌ی چنین منطقی تا جایی حق با او بود.

۱۱۴. هنگامی که شریر به حوّا گفت: «چشمان شما باز خواهد شد و نیک را از بد تشخیص خواهید داد و مانند خدایان عارف نیک و بد خواهید بود.» تا جایی حق با شریر بود زیرا خدا به آنها اجازه نداده بود که خویشان را عریان ببینند. او گفت آنها قادر خواهند بود خوب را از بد تشخیص دهند، پس شیطان درست گفته بود. اما پیداست که این سخن با کلام خدا سازگاری نداشت.

۱۱۵. به همین ترتیب شاید کارهایی که خادمین در سمینارها انجام می‌دهند درست بنماید. شاید آموزش الهیات ساخته پرداخته‌ی بشر درست بنماید. شاید آنها قدرت تشخیص را بالا ببرند ولی پیروی از آنها خطاست.

۱۱۶. قرار نیست توجیه شویم. ما به کلام ایمان داریم زیرا خدا آن را فرموده و تا ابد باقی است. باید به کل کلام ایمان داشته باشیم، راهی جز این نیست.

۱۱۷. دیدید حوّا چه میلی برای داشتن دکترای الهیات داشت؟ دیدید چگونه او در آرزوی کسب معرفت بالاتری سوخت!

۱۱۸. دقت داشته باشید که مرد و همسرش یکسان بودند... مرد و همسرش هر دو در باغ عدن عریان بودند. این کیفیت باغ خدا بود.

۱۱۹. می‌خواهم این بحث را به پایان برسانم. تنها چند دقیقه وقت شما را می‌گیرم. پس در این دقائق پایانی با دقت گوش کنید.

۱۲۰. می‌خواهم در باب قیاس چیزی بگویم. آن مرد و همسرش یکسان بودند. هر دوی آنها بدون اینکه حتی کوچکترین تکه از لباسی بر بدن خود داشته باشند در باغ عدن بودند و این مسئله را نمی‌دانستند. به راستی چرا مرد و زن از عریانی خود آگاه نبودند؟ زیرا برهنگی آنها با حجاب مقدسی از روح‌القدس پوشانیده شده بود. آنها به یکدیگر نگاه می‌کردند بی‌آنکه از عریانی خود آگاه شوند. آنان با روح‌القدس از پاکی و تقدس مستور شده بودند. آری واقعیت امر این است که آدم و همسرش به نوعی ملبّس بودند.

۱۲۱. امروزه نیز حضور حجاب خدا به معنی نگاهی عاری از شهوت است. هر کس حجاب خدا بر او است، نگاه خود را از سوی برهنگی‌ها برمی‌گرداند. این یک پوشش مقدس است، ملاحظه می‌کنید سخن از یک حجاب مقدس است. خدا چشمان آنها را در اختیار داشت... هر دوی آنها یعنی هم مرد و هم زن، از عریانی خود آگاه نبودند زیرا تقدس خدا چشمان آنها را مستور نگه داشته بود. آری خدا با آن پوشش مقدس ضمیر و باطن آنان را از گناه حفظ کره بود.

۱۲۲. ای کاش فرصت داشتیم تا برای چند دقیقه این موضوع را باز کنیم. ملاحظه کنید «عبادت کنندگان یک بار پاک شدند» در عبرانیان آمده است: «عبادت کنندگان بعد از آنکه یک بار پاک شدند دیگر حَسَن گناهان را در ضمیر نمی‌داشتند.» گناه از وی دور شده است.

۱۲۳. امروز صبح پای موعظه‌ی برادر نویل نشسته بودم. کسی از او پرسید که چرا من درباره‌ی روح‌القدس موعظه نکردم، چرا من چنین نکردم. گفتی است که روح‌القدس یک عمل در شماس است. روح‌القدس زندگی است نه یک هیجان و نشانه‌ی جسمانی. عیسی مسیح کلام خدا را در قلب شما نهاد تا هر کلمه‌ی مربوط به این دوره را زنده سازد. کاملاً درست است. عزیزان به روح‌القدس در فعل بنگرید نه به نمایش‌های بسیار. آری، روح‌القدس را در عمل ببینید به هر آنچه که او بر طبق کلام انجام می‌دهد.

۱۲۴. درخور توجه است که روح‌القدس کاری کرد که یک مرد و زن عریان از عریانی خود آگاه نباشند. به راستی که زندگی در کلام چه شیرین است! کلام همان بذر است.

۱۲۵. خدا فرمود: «درختی در وسط باغ هست. این درخت در میانه باغ است. آن را حتی لمس هم نکنید. هر آینه که از آن بخورید خواهید مُرد» آنها با

حجابی مقدس پوشانیده شده بودند و چیزی در مورد آن نمی‌دانستند. جرأت نداشتند آن را لمس کند.

۱۲۶. آنها پوشش مقدس بر تن داشتند و در عمارت خدا محفوظ بودند. آنها زنده بودند. در اطراف آنها اثری از مرگ نبود. هلولویا! آنان نسبت به یکدیگر محبت کامل داشتند و از زندگی کامل پایدار بهره‌مند بودند. آنان محبت کامل داشتند به عبارت دیگر درک کاملی از محبت خدا داشتند. آنان از کلام خدا برخوردار شده به آن پایبند بودند. آری آنان در عدن خدا از زندگی بهره‌مند بودند و امنیت داشتند، ابداً مرگی نبود حتی در گرداگردشان.

۱۲۷. در آن هنگام شیطان حوّا را به شنیدن انجیل الهیاتی خود فراخواند. او را به گوش سپردن به انجیل معرفت، عرفان، کسب تحصیلات و مکاتب بالاتر، تمدن بیشتر، آموزش بالاتر و مواردی از این دست دعوت کرد. او کاری کرد حوّا لحظه‌ای چند به او و دلایلش گوش کند. (از ما خواسته شده از آنها دوری کنیم) بله او حوّا را متقاعد کرد که پای صحبت او بنشیند.

۱۲۸. «به این کلیسا نگاه کن، هویت دارد. این کلیسا برای خود سابقه‌ای دارد. ما یکی از قدیمی‌ترین جماعت‌ها در کشور هستیم. حتی شهردار در جلسه‌های کلیسایی ما شرکت می‌کند.» واقعیت این است که چنین ادعاهایی بی ارزش هستند. اگر کلامی برخلاف کلام خداست، بر شماس است که با آن مخالفت کنید. آن دشمن شماس است. هر چه مخالف کلام است دشمن و بدخواه شماس است.

۱۲۹. هر کس با کلام خدا همسو می‌شود، برادر شماس است. او قسمتی از شماس است.

۱۳۰. توجه نمایید حوّا پوشش مقدس را کند تا آمیزش را تجربه کند، او می‌خواست کامیابی شهوانی را بجشد. او پوشش را از چشمان خود کنار زد، حجاب مقدسی که خدا در مقابل چشمان او گذاشته بود. او خواهان شناخت بود آرزوی عارف شدن در سر داشت پس برای نیل به این هدف پوشش را کنار زد تا هر چه بود را ببیند. او به شریر گوش کرد. به عاقبت این کار برای حوّا توجه کنید.

۱۳۱. پس از آن همیشه در تمام اعصار مردم بر عقل خود متوسل شدند و چنین بود که ملکوت شیطان برقرار شد. بیزی که او کاشت، شناخت یا همان معرفت است که دنیا را فراگرفته و عدن مرگ را پدید آورده است.

۱۳۲. حال دقت کنید. اینک به مکاشفه باب ۳ نگاه کنید، عصر کلیسای لائودکیه. در ذهن خود به آن بیندیشید.



۱۳۳. شایان توجه است که حوّا بانوی شیطان شد. ببینید، شیطان یا همان ابلیس حوّا را شناخت قبل از اینکه آدم وی را بشناسد. ملاحظه می‌کنید؟ این حقیقت است. شیطان حوّا را اغفال کرد. به این شکل پیش از اینکه آدم در جایگاه شوهر وارد شود، شیطان یعنی همان مار در جایگاه شوهر حوّا وارد شد. ملاحظه کنید، او حوّا را از راه به در کرد. این گفته‌ی کتاب مقدس است سپس حوّا دید که عریان است. توجه دارید؟

۱۳۴. حالا به وضعیت عصر کلیسای لائودکیه دقیق شوید. حوّا در جایگاه بانوی شیطان نشسته است. «او بی‌نیاز از همه چیز، کور و دوباره عریان است و آن را نمی‌داند.» درست به همان شکل که در عدن خدا بود. اما حال به گونه‌ای دیگر زیرا پوشش مقدس بر روی صورت وی نیست بلکه پوشش شهوت. او حجاب مقدس خدا را کنار زد و به جهت شهوت، پوششی از معرفت و شناخت را بر روی نهاد. حال او پوششی از شهوت دارد و به این دلیل «کور» است تا در گناه بماند. او در خیابان «عریان» است و «آن را نمی‌داند.» او در کسوت فاحشه‌ای در انظار عمومی ظاهر می‌شود. آن دسته از زنانی که با شلوارک نمایان می‌شوند از دید خدا مانند فاحشه‌ها هستند و «آن را نمی‌دانند.»

۱۳۵. خانم‌ها را در نظر بگیرید. اگر می‌خواهید بدانید کلیسا در چه شرایطی است رفتار خانم‌های آن را بنگرید. آنها نشان دهنده‌ی وضعیت کلیسا هستند. در عدن گناه و بی‌ایمانی شیطان و در یک انحراف مذهبی شاهد ملکوت منحرف شده هستیم. آنها به جای ستادن کلام خدا، تعالیم عقلانی انسانی و به جای برگرفتن کلیسا، تشگل را برگرفته‌اند و در حال گرد آوردن آن تحت یک رأس می‌باشند.

۱۳۶. حال ملاحظه کنید که آنها از بی‌گناهی منحرف شدند، این مطلب را فراموش نکنید. کلیسا با این شهوت پوشانیده شده است. به آنچه برایش به انجام رسید توجه کنید. او از بی‌گناهی به سمت شناخت و معرفت منحرف شد. می‌بینید؟ آری او با پوشش مقدس، بی‌گناه بود و با پوشش شهوت، شناخت دارد. او می‌داند که آن دلپذیر است. این یک میوه است، یک درخت که فرد را خردمند می‌سازد. ملاحظه می‌کنید؟ او از بی‌گناهی، به سمت شناخت و از تقدس و پاکی، به سمت آلودگی و شهوت و از حیات، به مرگ منحرف شد.

۱۳۷. این ملکوت باید از بین برود. این ملکوت خواهد مُرد! خدا از آسمان آن را از روی زمین نابود خواهد کرد.

۱۳۸. در این گمراهی شاهد آن هستیم که یک مرد، زن می‌شود و یک زن، مرد می‌شود در حالی که «آن را نمی‌داند.» اگر شما امروز به خیابان‌ها نگاه کنید می‌توانید در میان مردم متمدن ما، دستاوردهای بسیار عالی عدن شیطان را به چشم ببینید.

۱۳۹. شیطان از حوا استفاده کرد تا با قدرت شهوت او، آدم را وارد گناه سازد. حال نیز به همان شکل است امروز همان کارها انجام می‌شود. به مدل عجیب موها، صورت‌های رنگ شده، لباس‌های سکسی و بدن نما نگاه کنید. او چنین کارهایی می‌کند غافل از اینکه مخالف کلام خداست. زن با بریدن موهای خود چون فاحشه‌ای خود را رسوا می‌سازد. پوشیدن شلوارک‌های کوتاه او را رسوا می‌سازد. بر تن کردن لباس‌های سکسی و اندام نما او را مانند یک فاحشه می‌نمایاند و «او آن را نمی‌داند» و این ندانستن به دلیل تقدس خدا نیست بلکه به خاطر شهوت شیطان است. او باعث شده... او موجب می‌شود تا آدمش به جهت او شهوت داشته باشد.

۱۴۰. خدا در باغ عدن یعنی پیش از گذر از بیابان، پوشش‌هایی بر تن وی کرده بود. او هم اکنون تمام آنها را از تن خود درآورده است. او پوشش‌ها را از تن خود درآورده است. خود را بی پوشش نمایان می‌سازد. خدا سراسر بدنش را در پوششی از جنس پوست پوشانیده بود. او یکی یکی پوشش‌ها را از تن خود درآورده است و هم اکنون دوباره در وضعیت بدوی خود نمایان است.

۱۴۱. هم اکنون کاری کرده که آدمش [مردش] پوشاک زیر زنانه را بر تن کند. مردان با این پوشاک‌های زیر به سبک زنانه می‌گردند. اثر چندانی از مردانگی در آنها دید نمی‌شود. چنین مردانی صفات زنانه دارند. حوا [امروزی] کاری کرده که مردش به پوشاک زیر به سبک بانوان دل خوش کند. او زمانی که در این حالت ظاهر شد، کل روند را پیش بینی کرده بود. هم اکنون مردم با پوشش‌های بسیار کوتاه و زننده در انتظار عمومی ظاهر می‌شوند. هر چند بگویند آنها پوشاک زیر هستند ولی غیر از این نیست. اول حوا پوشید و سپس مردش به این پوشش ننگین روی آورد. کلام خدا به صراحت می‌گوید: «متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد زیرا هر که این کار را کند مکروه بیهوده خدای توست.» آری، مکروه است!

۱۴۲. حال مرد نیز با موهای مدل چتری باریک که مثل خار هستند، ظاهر می‌شود. او موهایش را به پایین به گونه‌ای خاص شانه می‌کند یا آنها را بیگودی می‌پیچد. مناظر بسیار ناخوشایندی که تا به حال در طول زندگی خود مثل آن را

ندیده‌ام، امروزه بیرون از اینجا برخی از این بچه‌ها موهای خود را آنگونه که گفتم به شکل چتری‌های باریک همانند خار درست می‌کنند و موهایشان را رنگ می‌کنند یا با چیزی شبیه اکسیدان سفید می‌کنند یعنی با مواد شیمیایی، سفید رنگ می‌کنند و با دستگاه‌های فر آنها را فر می‌کنند. مردهایی با صفات زنانه! اینها چیزهای ناگواری هستند که از پشت این منبر می‌گویم اما داوری از خانه‌ی خدا آغاز می‌شود. شما حتی نمی‌دانید که مرد هستید یا زن. گویی قرار است سربازان ارتش ایالات متحده‌مان شورت بر تن کنند. این حقیقت است. ببینید چه گمراهی‌هایی وجود دارد؟ موهای خود را به سبک زنانه درست می‌کنند.

۱۴۳. روزی در یکی از مراکز هووارد جانسون بودم. نه آن شعبه‌ای که اینجاست بلکه دیگری که در جاده‌ی خارجی است. من بسیار حیرت زده شدم. جلوی من پسری می‌آمد که دهانش باز بود. او موهایی مشکی به این اندازه داشت و آنها را به این شکل شانه کرده بود. موهایش را تا بالای چشمانش فر کرده بود و کناره موهایش را نیز فر کرده بود. موها در قسمت بالای چشمانش و کناره موهایش نیز تا پایین به این شکل بود. تا به حال چنین انحرافی ندیده بودم! او خود متوجه وضعیتش نیست. شاید بتواند ثابت کند که مرد است ولی در درون خود دختر است. تکلیفش مشخص نیست که پسر است یا دختر. عین حقیقت است. چه فساد!

۱۴۴. این همان چیزی است که شیطان انجام می‌دهد. او ملت‌های جهان را از راه به در می‌کند. او کلیسا را به بیراهه می‌کشاند. او مردم را فاسد می‌کند. او یک فریبکار است و حقیقت را تحریف می‌کند.

۱۴۵. در آفرینش خدا مرد، مرد است و زن، زن. و آنها را به شکل مختلف ملبَس کرد. در نقشه‌ی الهی آنها باید چنین بمانند او قصد دارد تا آنها رفتاری درخور جنسیت خویش از خود نشان دهند. یکی زن است و دیگری مرد. خدا مرد را مرد آفریده است و زن را زن.

۱۴۶. اینک زن موهایش را مانند مرد کوتاه می‌کند و مرد سعی می‌کند مانند زن خویشتن را درست کند. ملاحظه می‌کنید؟ کار به جایی رسیده که زن با لباس مرد ظاهر می‌شود و مرد با لباس زیر زنانه. شاید سخن من توهین‌آمیز به نظر برسد ولی قصد توهین ندارم. این کاملاً حقیقت انجیل است. اگر از این امر آگاه نیستید، جایی مشکل دارید. کور هستید یا هرگز وارد خیابان‌ها نشده‌اید. خانم‌ها فکر می‌کنند این وضعیت درستی است و آقایان هم چنین فکر می‌کنند پس همه با هم سازش دارند.

خانم‌ها می‌گویند: «خوب، در چنین هوای گرمی چه کار کنیم؟»

۱۴۷. باید از آپاچی‌های پیر که در آنجا هستند، خجالت بکشید. هر چه هوا بیشتر گرم می‌شود، بیشتر لباس می‌پوشند تا از گزند آفتاب در امان باشند. این باعث می‌شود که عرق کنند گویی زمان راه رفتن، از سیستم خنک کننده استفاده می‌کنند. ملاحظه می‌کنید؟ آنها با این روش در هوای آفتابی کم نمی‌آورند.

۱۴۸. شما نمی‌توانید چنین چیزی را تحمل کنید، تاول می‌زنید و می‌سوزید. خوب، این نشانه سواد بالای مردم است. این فرآیند دانش مدرن است. خدا به داد ما برسد! در لاژودکیه او «عریان» بود و «آن را نمی‌داند.»

۱۴۹. او در باغ عدن عریان بود. ملاحظه کنید مگر این دو ملکوت در جایی شبیه هم نیستند؟ یکی از آنها گناه و مرگ است و آن یکی حیات و عدالت. آنجا [در عدن خدا] او با پوشش مقدس پوشیده شده بود. هر دوی آنها برهنه بودند و از آن اطلاع نداشتند زیرا آنها با روح خدا پوشیده شده بودند.

۱۵۰. و اینجا [در عدن شیطان] آنها با شهوت پوشیده شده‌اند و به یکدیگر نگاه می‌کنند... دقت داشته باشید که زمانی که آدم به حوا نگاه می‌کرد او را عریان نمی‌دید. حال با این حجاب شهوت، او تشخیص نمی‌دهد که عریان است بلکه او زیر این پوشش شهوت موجب می‌شود تا مرد به او نگاه کند. هدف از چنین پوششی تنها جلب توجه جنس مخالف است. شاید شما خود از این مسئله آگاه نباشد ولی کاری می‌کنید که نگاه ناسالم مردان متوجه شما شود. مردان چنان شیفته ظاهر شما شدند که خودشان لباس‌هایتان را بر تن کرده‌اند.

۱۵۱. چه گمراهی‌ای! چه عصری! ما در چه زمانه‌ای به سر می‌بریم... چقدر مشکل است! با وجود چنین مسائلی «آن را نمی‌دانند.» در انسان روح گمراهی و فساد حکمفرما شده است. مردان از شهوت شیطان پوشیده شده‌اند و این مطلب درباره‌ی زنان هم صدق می‌کند. این تجلی روح شیطانی است که در صدر جامعه حکمفرماست. ببینید آنها عضو یک تشکل هستند ولی نمی‌دانند. زنانی که شلوارک کوتاه بر تن دارند به یک تشکل وابسته هستند. مردانی که آن گونه لباس بر تن دارند نیز متعلق به تشکل هستند. من اسم اختصاری آن را به شما می‌گویم بی.اس.اس آنها به سازمان انجمن بزرگ خواهران [Big Sister Society] وابسته هستند. از انجمن بزرگ خواهران بیرون آید، آنها شلوارهای قدیمی و موهای به هم ریخته و ظاهری آشفته دارند. من-من...

۱۵۲. آقایان، شاید با سختم در این باره موافق نباشید، ولی عین حقیقت است. شما گمراه و فاسد شده‌اید هر چند خود نمی‌دانید. دیگر مرد نیستید، مردانگی در

رفتارتان دیده نمی‌شود. چنان بی‌غیرت شده‌اید که هیچ احساسی نسبت به پسرانتان ندارید. هم آقایان و هم خانمان به این درد دچار شده‌اند. آنها برای خود جامعه‌ای تشکیل داده‌اند و تشکل دارند. چرا چنین می‌شود؟ «خوب، همسایه ما مری جان با شلوارک کوتاه در انظار عمومی ظاهر می‌شود. مگر من چه کم دارم؟ ای جان از من خواسته که مانند مری جان، شلوارک بپوشم. لی لی جان اینها را می‌پوشد، چه عیبی دارد که سالی جان یا سوزی جان آنها را می‌پوشد؟» یا هر نامی که داشته باشند. آنها جامعه‌ای برای خود تشکیل می‌دهند، پیرو مد روز هستند. از نظر روحانی، به چنین پدیده‌های تعلق دارید و خود نمی‌دانید.

۱۵۳. با چنین اوصافی پیداست که کور شده‌اید. فرقه‌ها شما را کور کرده‌اند، شیطان شما را با چنین ترفندی گرفتار کرده است. این تحریف از کلام اصلی خدا، ملکوتش و نقشه‌ی وی برای فرزندانش می‌باشد. شیطان با این ترفندها مردان و زنان را از راه درست منحرف کرده است، آنها نمی‌دانند. آنها در غفلتند. آری، سخن از گمراهی است!

۱۵۴. شخصی که با چنین فسادی سازش کرده، دیگر فرزند خدا نیست! چگونه می‌شود یک فرزند خدا، یک شماس کلیسا یا یک کشیش در حالی که چتری موهایش بر روی صورتش آویزان است و شورت بر تن دارد در خیابان پرسه زند؟ نه چنین شخصی پسر خدا نیست و از فیلتر فکری الهی بی بهره است. او لباس‌های زنانه بر تن ندارد، مطمئناً ندارد همچنین دختر خدا لباس‌های مردانه بر تن نمی‌کند. ملاحظه کنید این در شأن یک فرزند خدا نیست. پسر و دختر شیطان به این شکل هستند. بیان چنین مطالبی بسیار دردناک است!

۱۵۵. شیطان در گمراه کردن و برگرفتن این دنیا موفق شده است و آن را ملکوت خود ساخته است. آدمی حق‌گزینش دارد. او می‌تواند روش زندگی دلخواه را برگزیند. گزینش یک راه نشان می‌دهد که چه چیزی در قلب شما نهفته است. ملاحظه می‌کنید؟ شما می‌دانید چه چیزی؟ صدای شما... صدای اعمال شما بلندتر از ادعای شما است. بله!

۱۵۶. بگذارید پیش شخصی بروم و بگویم: «من... ما همگی مسیحی هستیم. عضو کلیسا هستیم.» نوارهای تزئینی در دفتر کار او آویزان می‌کنید؟ آری! چیزی که او به من گفت باعث هیچ تغییری نشد، من از او بهتر می‌دانم پس شما می‌دانید.

۱۵۷. چگونه ممکن است خانمی با موهای کوتاه شده خود را مسیحی بداند؟ بله! نیازی نیست درباره‌ی چنین ادعایی بحث شود، ملاحظه می‌کنید. بله، آقا. او

در حالی که می‌گوید من مسیحی هستم با آرایش غلیظ و شلوارک ظاهر می‌شود، این چگونه ممکن است؟ می‌دانید که چنین ادعایی بی اساس است. کلام خدا راه و روش بهتری به شما می‌آموزد. از کلام خدا پیداست آن خانم نمی‌تواند آن کارها را انجام دهد و در عین حال مسیحی باشد. ناشایست است. مگر می‌شود خدا چیزهای ناشایست را به ملکوت خود راه دهد؟ خیر آقا، ابدأً آنها با انجام چنین کارهایی تمایلات خویش را نشان می‌دهند.

۱۵۸. هر کاری کنید، کیوتر با لاشخور هم غذا نمی‌شود. کیوتر صفا ندارد و نمی‌تواند یک لاشه مانده را بخورد. اگر اندکی از آن را بخورد باعث مرگش می‌شود و کیوتر این را می‌داند. اما یک لاشخور هر چیزی که می‌خواهد را می‌تواند بخورد. می‌بینید؟ او به مقدار فراوان صفا دارد.

۱۵۹. در دنیا امروزی هم وضعیت از این قرار است «آنها عریان و کور هستند و آن را نمی‌دانند.»

۱۶۰. شیطان از طریق میل یک زن به شناخت و تجربه‌ی آمیزش جنسی، برنامه‌ی خود را پیاده کرد. زن حق‌گزینش خود را در راستای اهداف شیطان به کار برد. به یاد داشته باشید که این حوا بود که آدم را به سوی این راه کشانید. این زن بود که قبل از آدم جامه برکنند. می‌بینید؟ همواره روند از زن شروع شده است. هنوز نیز همان روش به کار می‌رود.

۱۶۱. کلیسا مردم را از راه به در کرد. آری کلیسا مردمی که در جایگاه فرزند بودند را به بیراهه کشاند. زن همان کلیساست. زن کلام نیست، خدا نیست. کلام مرد [آن داماد] است. آری چنین است. «کلام تن گرفت، کلمه جسم شد.» او در قالب یک مرد آمد. توجه دارید؟ کلام [در حکم] مرد است و کلیسا [در حکم] زن. متوجه می‌شوید؟ این کلام خدا نیست که پوشش مردم را درآورد بلکه کلیسا چنین کرد. کلام خدا چنین کاری نخواهد کرد. انسان با تن دادن به آموزه‌های کلیسای عریان شد نه بر اثر هماهنگی با کتاب مقدس. دقت دارید؟ به راستی که چنین است. کلام خدا به انسان می‌گوید که عریان است. بله، آقا.

۱۶۲. حال دقت کنید که او میل داشت آمیزش را تجربه کند. او می‌خواست به آن شناخت و معرفت نائل شود. او اشتیاق تمام داشت از نیکویی یا بدی این میوه سر درآورد.

۱۶۳. روزی به دست یک مرد آن را برمی‌گرداند. چیزی که به دست یک زن واگذار شده بود توسط یک مرد باز خرید شد. آن مرد عیسی مسیح است که همان کلام خداست.

۱۶۴. منظور چیست؟ به انتهای بحث دقت فرمایید. چندی پیش این مطالب را نوشتم. در این خصوص چهار یا پنج صفحه از کتاب مقدس و چیزهایی که می‌خواستم به آن ارجاع دهم را آماده کردم. من... اما گوش کنید. اجازه دهید سخنانم را به پایان برسانم.

۱۶۵. به یاد آورید اینجا همین اواخر داشتیم به شما در مورد هفت کرنا تعلیم می‌دادم، جشن کرناها و غیره. گفتم: «جشن روز هشتم وجود دارد.» روز هفتم آخرین روز می‌باشد که همان هزاره می‌باشد، لیکن جشن روز هشتم هم وجود دارد. با توجه به اینکه تنها هفت روز وجود دارد، روز هشتم به آن معنی است که دوباره روز اول برقرار می‌شود درست به روز اول برمی‌گردد. پس هنگامی که هزاره به پایان برسد دوباره یک عدن برقرار خواهد شد. ملکوت عظیم خدا دوباره برقرار می‌شود. چون عیسی در باغ جتسیمانی بر سر آن با شیطان پیکار کرد و پیروزمندانه عدن را اعاده کرد. اینکه او رفته است تا در آسمان آن را آماده کند. او برمی‌گردد. او گفت: «دل شما مضطرب نشود.»

۱۶۶. هنگامی که او در این کره‌ی خاکی بود چنین پیغامی داد: «شما یهودیان به خدا ایمان آوردید. من می‌دانم که نگرش منفی درباره‌ی من هست.» و او گفت: «درباره‌ی من حرف و حدیث بسیار است. شما به خدا ایمان آوردید به من نیز ایمان بیاورید.» او تجلی خدا بود. ملاحظه می‌کنید؟ «همچنین به من ایمان داشته باشید...»

۱۶۷. «در منزل پدر من مکان بسیار است...» یا «در برنامه ریزی پدر من، در نقشه‌های پدر من مکان‌های بسیاری وجود دارد. من می‌روم تا مکانی آماده نمایم.» ببینید که اندازه آن چقدر است، پانزده هزار تیر پرتاب! پرسیدنی است که روند کار تا چه اندازه پیش رفته است؟ او رفت تا آن را مهیا سازد. او خالق است. او سراسر آن را از طلا می‌سازد. خیابان‌ها شفاف هستند. او آفریننده است. او هم اکنون آن مکان را آماده می‌سازد. او در مکاشفه باب ۲۱ گفت: «و من یوحنا شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود.»

۱۶۸. «چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد.» آسمان اول ما چه بود؟ هزاره بود. زمین اول ما چه بود؟ همین بود. بازسازی خواهد شد. درست همان‌طوری که با موعظه‌های نوح تعمیر یافت و توسط مسیح تقدیس شد هنگامی که خورش بر روی آن پاشیده شد و در بازسازی نهایی به وسیله‌ی تعمیر آتش تمامی میکروب‌های مضر از آن زدوده خواهد شد و تمام

میکروب‌ها، بیماری‌ها و امراض و هر نوع آلودگی که تا آن زمان بر روی زمین بود، ناپود خواهد شد.

۱۶۹. آری، اینک زمان شکوفایی فرا می‌رسد و زمینی نو پدیدار خواهد شد. «و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد. و من یوحنا شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود.» آنجا خدا با صفات راستین خود خواهد بود یعنی با پسران و دخترانش جایی که خدا می‌تواند در تقدس با آنها مشارکت داشته باشد چون چشمان آنها بر روی هر گناهی بسته شده است. از آن پس دیگر گناه در کار نخواهد بود.

۱۷۰. بیایید به جدّ و جهد تلاش نماییم مبدا در چنین روزگاری فریب خورده و گمراه شویم «بکوشید تا از در وارد شوید، به آن دروازه وارد شوید.»

۱۷۱. «فاحشه‌ها و شهوت‌ران‌ها به آنجا راه نخواهند یافت.» «هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» تمام... زنان و مردان بکردار و بدنام و غیره به چنین مکانی راه نخواهند یافت.

۱۷۲. تنها کسانی که بازخرید شده‌اند و نامشان در دفتر حیات برّه مکتوب است، به آن دروازه وارد خواهند شد. آنها از در وارد می‌شوند. ای دوستان جدّ و جهد نمایید و در این روز آخر فریفته مشوید.

۱۷۳. زمان مهمی است. هر کسی پول دارد می‌تواند فلان کار یا بهمان کار را انجام دهد. پول می‌تواند هر چیزی را به سرانجام برساند، ماشین‌های شیک و تمام اینها. در آن شهر هیچ کدام از اینها نخواهد بود. آنجا هیچ ماشین و هواپیمایی نخواهد بود، نه. تمدنی بسیار متفاوت پدیدار می‌شود. پایه‌ی این تمدن عرفان و دانش خواهد بود بلکه پاکی و ایمان به خدای زنده.

۱۷۴. بیایید جدّ و جهد کنیم تا وارد چنین مکانی شویم. تمام هدف من آن است که روزی وارد آن شهر شوم و هنگامی که به اطراف بنگرم هر یک از شما را ببینم که همراه هستید و در حالی که سرود می‌خوانیم با یکدیگر قدم می‌زنیم «مقدسان نیز قدم می‌زنند.» می‌خواهم در شمار آنها باشم. می‌خواهم در آن مکان با مقدسین همگام شوم.

دعا می‌کنیم.

۱۷۵. پدر آسمانی عزیز، این عصر به پایان خود می‌رسد و زمان تحقق وعده نزدیک شده است. خداوند عزیز دعا می‌کنیم که تو در قلب‌های ما بگذاری تا



خطا نورزیم. خداوند عزیز ضمیر ما را پاک نگه دار. خداوندا، قلب‌ها و چشم‌انمان را از امور دنیوی و چیزهای پوچ دنیا و جاه طلبی پوشیده بدار.

۱۷۶. مهم نیست که تمام پادشاهان، فرمانروایان مطلق و قدرتمندان دنیا در چه جایگاهی باشند تمام اینها نابود خواهند شد زیرا مکتوب است: «خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد.» خدای من! مرگ روحانی «تسلطی ندارد» آنها باز خرید شده‌اند!

۱۷۷. خداوندا! تصوّرش را بکنید. در یکی از همین ساعات یکی می‌رود تا دیگری را ملاقات کند ناگهان ربوده خواهد شد. «از دو نفر که بر یک تخت خوابیده‌اند یکی از آنها برگرفته و دیگری واگذارده خواهد شد. از دو نفر که در یک مزرعه کار می‌کنند یکی برگرفته و دیگری واگذارده خواهد شد.»

۱۷۸. خداوندا، به ما کمک کن تا در نظر تو پاک باشیم. خداوندا مهم نیست که مردم درباره‌ی ما چه فکر می‌کنند و چه می‌گویند. خداوندا اجازه بده... گفتار ما مقدس باشد و همیشه اصلاح شده به نمک کلام خدا باشد. خداوندا مبادا مکاری در ما یافت شود. باشد زمانی که برای خطاهایمان استعفا می‌کنیم خون عیسی میان ما و خدا قرار گیرد. خدایا این را عطا کن، نه بر اساس عدالت، جایگاه و یا نیکوکاری ما بلکه تنها به خاطر شایستگی عیسی مسیح!

۱۷۹. باشد هیچ یک از عزیزانی که در این جلسه‌ی شامگاهی شرکت کرده و پیغام را شنیده‌اند هلاک نشوند، از خردسالان تا سالخوردگان. باشد که دل آنها تنها برای خدا و کلامش اشتیاق داشته باشد. ما نمی‌دانیم او چه ساعتی ظاهر خواهد شد. نمی‌دانیم چه ساعتی ما را آنجا احضار می‌کند تا در داوری پاسخگو باشیم. نمی‌دانیم چه ساعتی به اصطلاح کارت ما را از روی قفسه برمی‌دارد و می‌گوید: «زمان ورود به خانه است، برای رهسپاری به آنجا آماده‌اید.» خدایا به ما کمک کن تا خود را پاک و خالص نگه داریم. خداوندا عطا کن.

۱۸۰. باشد که تا آمدن خداوند زنده بمانیم. باشد هر کاری که در توانمان است را با محبت و درک انجام دهیم. آری می‌دانیم که خدا امروز در جهان می‌گردد تا هر یک از گوسفندان گمشده‌اش را بیاید. خداوندا باشد که با کلامی اصلاح شده به دعا، با محبت و کلام خدا با آنها سخن بگوییم. ما می‌توانیم آخرین آنان را بباییم آنگاه می‌توانیم به خانه‌ی آسمانی برویم و این عدن قدیمی را از دستان شیطان خارج کنیم.

۱۸۱. این عدن بر پایه‌ی شهوت و به اصطلاح بر زنان جذاب بنا شده است. در زیبایی شناسی این دنیا، آنها چنین تعریف شده‌اند. این تعریف در تبلیغات

رادیویی و تلویزیونی نمود پیدا می‌کند. می‌گویند: «ما یک شرکت تبلیغاتی هستیم و به دنبال پسران آرایش کرده و دختران خوش اندام شلوارک پوش هستیم.» تمام پلیدی‌ها، آلودگی‌ها، هالیوود با تمام چیزهای شهوت‌انگیز و کثیف، پوشش هرزگونه زنان، تمام اینها بر پایه‌ی شهوت بنا شده و -و مردان فاسد شده‌اند و متاع زنانه را بر خود می‌نهند و موهایشان را مدل زنانه کوتاه می‌کنند، زنان مانند مردان هستند. تمام اینها از طریق رادیو و تلویزیون به خورد مردم داده می‌شود.

۱۸۲. خدایا در چه ساعت هولناکی زندگی می‌کنیم! بیا خداوند عیسی، بیا! خداوندا بیا! ما را با خون خود پاک ساز. هر پلیدی و تزویر را از ما بزدای. خداوندا روا دار که در حضور تو و در پناه خون زندگی کنیم. این آرزوی قلبی ما و خواست صادقانه‌ی ماست.

۱۸۳. ای خدای مهربان، امشب بر روی این میز، انجیل قرار دارد. خداوندا اینجا دستمال‌ها و بسته‌هایی هست که به نزد بیماران و مبتلایان برده می‌شود. خداوندا بگذار اینک در حضور تو دعای ایمان از قلب ما جاری شود. خداوندا چنانچه چیز ناپاکی در وجود ماست همین حالا... ما را در داوری قرار ده و ما از تو استدعای رحمت داریم. آنچه که به اشتباه انجام می‌دهیم را برای ما آشکار کن، خداوندا. ما می‌توانیم بطلبیم که خون را برگیری و ما را پاک سازی. ای پدر، بیماران را شفا ده. باشد هر جایی که این دستمال‌ها فرستاده می‌شوند درمندان تندرست گردند. ای پدر، بگذار چنین شود.

۱۸۴. به ما عزم راسخ عطا کن تا تو و تنها تو را خدمت کنیم.

۱۸۵. از این مردمان عزیزان در راه بازگشت به خانه محافظت کن.

۱۸۶. از تو به خاطر اینکه مردم را شفا داده‌ای، سپاسگزاریم. برای پسر کوچک خواهر شیفورد و برادر شیفورد که با دوچرخه تصادف کرده دعا می‌کنم تا مشکلی پیش نیاید. این دوچرخه‌سوار کوچک را به حضورت بلند می‌کنم تا مشکلی برای او پیش نیاید. از تو سپاسگزاریم به خاطر اینکه برای کسانی که از حضور تو درخواست کردیم و شفا عطا کردی. «ما می‌دانیم آنچه را که می‌خواهیم دریافت می‌کنیم زیرا به کسی که وعده داد، اعتماد داریم.»

۱۸۷. خداوندا، فیضت را بر ما عطا کن و گناهان ما را ببخش. در نام عیسی مسیح می‌طلبیم. آمین.

۱۸۸. آیا خدا را دوست می‌دارید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف] آیا به او ایمان دارید؟ [«آمین.»] آیا ملکوت شیطان برای شما ناخوشایند است و

از آن بیزار هستید؟ [«آمین.»] آیا ایمان دارید که هزاره برقرار می‌شود؟ هزاره او، عدن او. [«آمین.»]

۱۸۹. آیا باور دارید که امروزه وضع چنین شده است؟ بنگرید، همه چیز بر پایه نظریات روشنفکران بنا شده است. همه چیز باید بر اساس علم ثابت شود تا آنها به آن ایمان بیاورند.

۱۹۰. شما نمی‌توانید خدا را از طریق علم اثبات کنید. شما باید او را از طریق ایمان بپذیرید. «زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد.»

۱۹۱. خدایا می‌دانم خون عیسی مسیح مرا از گناهان پاک کرد. نمی‌خواهم چیزی دیگری بدانم. من چیزی نمی‌دانم اما عیسی مسیح از همه چیز آگاه است. همان‌طور که پولس در گذشته گفت و من امشب گفتم: «زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح مصلوب را.»

۱۹۲. هر آنچه که می‌دانم را به شما می‌گویم. این کتاب مقدس که من با تمام قلبم به آن ایمان دارم (از قلب خود آگاهی دارم) کلام کامل خالص و ناب خداست. من از طریق این کلام زندگی می‌کنم و ایستاده‌ام. اگر ده هزار بار امکان زندگی داشتیم، دوست داشتم هر ذره آن را برای این کلام بدهم برای کلام عیسی مسیح. اهمیت نمی‌دهم چقدر آنها سعی دارند آن را رد کنند یا اینکه چقدر علم سعی دارد بگوید که این کلام قابل اطمینان نیست و غیره. تنها چیزی که در دنیا برایم قابل اعتماد است، این کلام است. آری مال من است و دوستش دارم. شما چطور؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف]

۱۹۳. اگر گناهی بر قلبتان سنگینی می‌کند، چنانچه تقصیر و خطایی در قلب دارید و هر چیز دیگری که دارید اینک دعا کنید و از خدا درخواست کنید تا شما را ببخشد. برای من دعا کنید، من نیز برای شما دعا می‌کنم. دعای من این است که خدا به شما برکت دهد.

تا هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنیم! تا هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنیم!

خدا با شما باشد تا هنگامی که دوباره یکدیگر را ملاقات کنیم!

۱۹۴. آیا همدیگر را دوست دارید و محبت می‌کنید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف] یوحنا گفت: «ای فرزندان، یکدیگر را محبت نمایید.» یکدیگر را محبت نمایید زیرا محبت گناهان بسیار را می‌پوشاند.» حالا بیایید به یکدیگر دست دهیم.

خدا با شما باشد تا هنگامی که دوباره یکدیگر را ملاقات کنیم!

تا هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنیم! تا هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنیم!  
۱۹۵. با یکدیگر مهربان باشید. با همه مهربان باشید. با همسایگان خود به درستی رفتار کنید. تا هنگامی که عیسی بیاید خودتان را به دور از هر لکه‌ای نگه دارید.

تا هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنیم! تا هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنیم!  
خدا با شما باشد تا هنگامی که دوباره یکدیگر را ملاقات کنیم!

۱۹۶. آیا خدا را دوست دارید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف]  
دعای من این است. برای من دعا کنید، من نیز برای شما دعا خواهم کرد. حالا می‌خواهم به توسان بازگردم. من-من دعا می‌کنم خدا به همگی شما برکت دهد. می‌خواهم از آنجا به کانادا بروم و به گُرادو برگردم. به این سو، به آن سو، در هر سو. ملاحظه کنید. تا هنگامی که...؟!...

۱۹۷. برادر تونی آنجاست و اتفاق بزرگی رخ داده است. در قلمرو واتیکان، در شهر رُم مردم خواهان بیداری و ملاقات هستند. بچه‌ها جلساتی برایم تدارک می‌بینند. از قرار معلوم باید بروم و برای بیداری در شهر رُم زمینه‌سازی کنم. او به تازگی برگشته است. مردم آنجا جمع شدند. آنها یک استادیوم بزرگ گرفتند و از من دعوت کردند برای ایجاد بیداری پیش آنها بروم. آنها می‌خواهند در این خدمت جلال خداوند را ببینند. قضیه هنوز برای من باز نیست. باید در این باره دعا کنم و از خداوند هدایت بگیرم. خدایا! به یاد این موضوع باشید و با هم دعا کنیم. کار می‌کنیم...

ما آمدن ناجی متبارکمان را نظاره می‌کنیم،  
بنگر که حال برگ‌های انجیر سبز می‌شوند،  
انجیل ملکوتش به تمام امت‌ها اعلام شده است،  
و ما نزدیک انتها هستیم، می‌تواند دیده شود.

۱۹۸. درست است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» -گروه تألیف]  
آنگاه با خوشحالی ظهور پیغام مبارک او را اعلام خواهیم کرد،  
به زودی او در جلال می‌آید، تا به تکاتک شما بگوید،

بیدار باشید ای مقدسان خداوند چرا بینکی زده‌اید وقتی انتها نزدیک است،  
بیاوید برای فراخوانی نهایی آماده باشیم.

۱۹۹. او به غرب می‌نگرد و روزی برمی‌گردد. این را به یاد داشته باشید. آری، او برمی‌گردد. در این باره شک روا نیست و تا آن زمان:

نام عیسی را با خود بردار،

ای فرزند غم و پریشانی،

من به شما شادی و راحتی می‌بخشم،

هر جا که روی، آن را با خود بردار.

چه دلنشین است (نام گرانبها)، آن نام گرانبها!

امید زمین و شادی آسمان‌ها،

چه دلنشین است آن نام گرانبها! (چه دلنشین است!)

امید زمین و شادی آسمان‌ها.

خم شده در مقابل نامش

سر به خاک نهاده در مقابل پایش

در آسمان بر سر شاه شاهان تاج خواهیم نهاد،

هنگام به انتها رسیدن سفرمان.

چه دلنشین است آن نام گرانبها!

امید زمین و شادی آسمان‌ها،

چه دلنشین است آن نام گرانبها!

امید زمین و شادی آسمان‌ها.

۲۰۰. حال، بیایید این سرود آخر را با قلبی فروتن بخوانیم.

نام عیسی مسیح را با خود بردار

چون سپری از بهر هر دام

زمان هجوم وسوسه‌ها (ابزار ملکوت شیطان، می‌بینید، توجه کنید)

در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن.

۲۰۱. همین بس است و سپس دوری کنید. این روش کارساز است. من آن را

تجربه کرده‌ام. فقط حالا به آن ایمان داشته باش به همین دلیل عمل می‌کند. در

دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن.

نام عیسی مسیح را با خود بردار

چون سپری از بهر هر دام

زمان هجوم وسوسه‌ها (آنگاه چه می‌کنی؟)

در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن. (دوباره پوشش مقدس بر روی صورت تو خواهد آمد)

چه دلنشین است آن نام گرانبها!

امید زمین و شادی آسمان‌ها،

چه دلنشین است آن نام گرانبها!

امید زمین و شادی آسمان‌ها.

۲۰۲. اکنون بیابید سرهای خود را خم کنیم تا زمانی که از برادر بیلر درخواست کنم تا اینجا بالای سکو بازگردند. [برادر برانهام سرود نام عیسی را با خود بردار را زمزمه می‌کند-گروه تألیف]

در دعا تنها نام مقدس او را بر زبان جاری کن.

۲۰۳. برادر بیلر ما را فراموش نکنید. ما را در دعا فراموش نکنید.

نام گرانبها،

امید زمین و شادی آسمان‌ها؛

چه دلنشین است (نام گرانبها)، آن نام گرانبها!

امید زمین و شادی آسمان‌ها.

۲۰۴. حال با قلب‌های کرنش کرده، سرهای خود را خم کنیم. برادر بیلر، برادر خوب مسیحی و یک مرد با وفا. من از او می‌خواهم که امشب در دعا شنوندگان را نیز فراموش نکند. برادر بیلر خدا به شما برکت دهد.



FRS65-0829 عدن شیطان

(Satan's Eden)

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر یکشنبه ۲۹ آگوست ۱۹۶۵ در خیمه برانهام در جفرسون ویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام در یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و پخش می‌گردد.

FARSI

©2016 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

**VOICE OF GOD RECORDINGS**

P.O. BOX 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.

[www.branham.org](http://www.branham.org)